

نقشه راه و مسائل پیش رو

روح الله قادری کنگاوری^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۷

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۷/۲۷

نشریه علمی آفاق امنیت / سال سیزدهم / شماره چهل و هشتم - پاییز ۱۳۹۹

چکیده

دیپلماسی نهضتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از آغازین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی نقش مهمی در شکل‌گیری روابط خارجی و بین‌المللی کشور ایفا نموده است. چنین نقشی در بستر قانون اساسی به تدریج منجر به تشکیل ساختارهای حاکمیتی چون نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گردید که مأموریت اصلی و اساسی آن پشتیبانی و حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش و دولت‌های حامی مقاومت در سراسر جهان است؛ که این مهم در تعامل و همکاری با سایر ساختارهای رسمی و قانونی نظام تعیین پیدا می‌کند. با این وجود به نظر می‌رسد این موضوع پس از چهار دهه از تشکیل نظام جمهوری اسلامی و در آغازین سال‌های گام دوم انقلاب آنچنان که باید و شاید مورد ساخت پژوهشی و پرداخت علمی قرار نگرفته و از طرفی نقشه راه آن با توجه به مسائل و مشکلات پیش رو طراحی و تدوین نشده است. هدف اصلی این مقاله، بررسی و تحلیل همین موضوع است که تلاش می‌کند ضمن تبیین چهارچوب مفهومی و نظری مقاومت و جایگاه محکم آن در قانون اساسی، نسبت دیپلماسی نهضتی و سیاست خارجی را مورد واکاوی قرار داده و در نهایت مسائل پیش روی کاربست دیپلماسی نهضتی در عرصه سیاست خارجی را در چهارچوب نقشه راه پیشنهادی مورد ارزیابی قرار دهد. روش پژوهش به لحاظ نوع تحقیق، توصیفی - تبیینی و به لحاظ روش‌شناسی تحقیق بر مبنای نوع داده‌ها، روش کیفی است. روش گردآوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای، اینترنتی، اسنادی و مطالعات میدانی بوده و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز تحلیل محتوا و روایی می‌باشد. نتیجه نهایی تحقیق این است که دیپلماسی نهضتی در راستای نظام ارزشی و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران به دنبال تشکیل محور مقاومت در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی از طریق بومی‌سازی مقاومت بوده و این مهم در یک نقشه راه پیشنهادی شش‌مرحله‌ای یعنی گفتمان‌سازی، شبکه‌سازی، جریان‌سازی، جنبش‌سازی، نظام‌سازی و در نهایت تمدن‌سازی مدیریت و اجرا می‌گردد. البته تحقق نقشه راه مستلزم توجه به مسائل و چالش‌های پیش روی دیپلماسی نهضتی است که در بخش پایانی مقاله مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت.

واژگان کلیدی

دیپلماسی نهضتی؛ سیاست خارجی؛ انقلاب اسلامی؛ عمق‌بخشی؛ مقاومت؛ نقشه راه

یکی از مهم‌ترین پیامدهای پیروزی انقلاب اسلامی ایران مقابله با ترتیبات امنیتی و نظم سیاسی مطلوب رژیم تروریستی امریکا در منطقه و تقابل با رژیم صهیونیستی و در نتیجه شکل‌گیری محور مقاومت بوده است. آرمان‌های انقلاب اسلامی در چهارچوب استکبارستیزی و ضدیت با نظام سلطه در هردو بُعد ایجابی (آزادی‌خواهی، عدالت‌طلبی، استقلال‌گرایی) و سلبی (امریکاستیزی، صهیونیسم‌ستیزی، وهابیت‌ستیزی)، موتور محرکه ملت‌سازی و دولت‌سازی است. در این میان مقاومت‌پژوهی و مطالعات نهضتی، مؤثرترین و حساس‌ترین حوزه مطالعات امنیتی و راهبردی کشور است که حداقل با سه مسئله بقا، امنیت و پیشرفت ارتباط درهم‌تنیده و تنگاتنگی پیدا کرده است. اما با وجود اینکه دیپلماسی نهضتی یکی از تأثیرگذارترین حوزه‌های اجرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی است و مستقیماً بر منافع و امنیت ملی کشور تأثیرگذار است، اما آن‌گونه که باید و شاید به صورت علمی و آکادمیک مورد توجه قرار نگرفته است. این مسئله البته ضرورت تأسیس «کرسی مقاومت‌پژوهی و مطالعات نهضتی» در دانشکده‌ها و پژوهشکده‌های حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل کشور را ضروری می‌نماید.

دیپلماسی نهضتی محصول باور به «الهیات رهایی‌بخش» و «رنج متعالی» است و گفتمان مقاومت ریشه در آرمان نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری «لَا تَطْلِمُونَ و لَا تُطْلَمُونَ» دارد؛ آرمانی که بر اساس سنت‌های الهی و فطرت پاک بشر شکل گرفته و در چهارچوب واقعیات محقق می‌گردد. لذا رویکرد مقاومت مبتنی بر آرمان‌گرایی واقع‌بینانه است. بر این اساس باور به مقاومت، باعث شکل‌گیری هسته‌های مقاومت و نهضت‌های آزادی‌بخش^۱ گردیده است. به عبارت دقیق‌تر نهضت‌های آزادی‌بخش مدلول^۲ دال^۳ مقاومت‌اند. بر این اساس جمهوری اسلامی ایران در چهارچوب دکترین «تعامل‌گرایی ضدنظام سلطه»، هر فرد، جریان، جنبش و دولتی را که مخالف استکبار جهانی و نظام سلطه در حیطه آرمان‌های ایجابی و سلبی انقلاب باشد، در هر نقطه از جهان متحد طبیعی^۴ خود می‌داند و برحسب ظرفیت‌های ملی خود از آن حمایت و پشتیبانی می‌نماید. این مسئله البته در بستر تاریخ، جغرافیا و جامعه مخاطب، تعیین‌کننده جهت‌گیری و ماهیت نهضتی خواهد بود.

ناگفته پیدا است که جمهوری اسلامی یک «نظام انقلابی» است و هرگونه کاربست

1. Resistance/Liberation Movement
2. Signified
3. Signifier
4. Natural ally



مقاومت و دیپلماسی نهضتی در چهارچوب دوگانه‌های به‌ظاهر متناقض است که معنا و هویت می‌یابد. دوگانه‌هایی مثل دنیا و آخرت، زندگی و بندگی، عقل و شرع، دیانت و سیاست، جمهوریت و اسلامیت، جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی، اصلاح‌گری و انقلابی‌گری، آرمان‌گرایی واقع‌بینانه و آنچه موضوع این مقاله است؛ یعنی «دیپلماسی نهضتی» - امری رسمی در کنار پدیده‌ای غیررسمی - از آثار، ابداع‌ها و برکات انقلاب اسلامی است؛ کما اینکه هم‌زیستی راهبردی دو اصل قانونی «عدم‌مداخله» و «حمایت از نهضت‌ها» در اصل ۱۵۴ قانون اساسی: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند». در این صورت «خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملل دیگر» و «حمایت از مبارزات حق‌طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در همه جهان» در اصل مذکور نیز مکمل هم هستند. طبعاً حمایت انقلاب اسلامی از حرکت‌های استقلال‌طلبانه و آزادی‌خواهانه مستضعفان عالم بسته به میزان ظرفیت‌های ملی و داخلی کشور و همچنین توان تأثیرگذاری منطقه‌ای و بین‌المللی، ابعاد و سطوح مختلفی از حمایت سیاسی - دیپلماتیک تا حمایت اقتصادی و امنیتی - نظامی را در بر می‌گیرد. با این وجود مسئله «حمایت» به‌معنای دفاع از ملل مظلوم و موردستم متفاوت از موضوع «مداخله» به‌معنای سلطه‌گری، کشورگشایی، تهاجم و تجاوز به سایر ملل است؛ اولی کاملاً مشروع و قانونی است و دومی البته که بر طبق حقوق بین‌الملل نامشروع و غیرقانونی!!^۱

۱. در این خصوص بسیاری از صاحب‌نظران حوزه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل توان درک این موضوع را ندارند و با آن به مخالفت بر می‌خیزند. هنری کیسینجر معتقد است: «ایران باید تصمیم بگیرد که یک کشور (دولت نرمال) country (normal state) یا یک جنبش (دولت انقلابی) cause (revolutionary state) باشد. رک به:

. Iran's dilemma: a country or a cause-Los Angeles Times.Avaliable at:
<https://www.latimes.com/opinion/op-ed/la-oe-0124-mcmanus-iran-symbolism-20160124-column.html>
 . Henry Kissinger put it best when he said that Iran has to decide whether it's "a nation or a cause ." Available at:
[http://foreignpolicyblogs.com/2013/05/06/a-candid-dicussion-witj-karim-sadjadpour/.](http://foreignpolicyblogs.com/2013/05/06/a-candid-dicussion-witj-karim-sadjadpour/)



مفهوم نهضت و جنبش

به لحاظ لغوی «النهضة» معادل رنسانس^۱ است و جنبش معادل واژه «الحركة» در زبان عربی و Movement در زبان انگلیسی است. به عنوان مثال: «النهضة الاسلامیه» یعنی رنسانس اسلامی و «حركة المقاومة الاسلامیه» به معنای جنبش مقاومت اسلامی است. لذا «نهضت» در اینجا ناظر بر بیداری است و «حرکت» ناظر بر به جریان افتادن نوعی خیزش عمومی هدفمند است.

جنبش اسم مصدر از جنبیدن است که ابتدا در علم نجوم کاربرد داشته و همانند واژه انقلاب از این علم در علوم سیاسی به عاریت گرفته شده است. به طور کلی در علوم سیاسی و اجتماعی جنبش، به حرکت‌ها و خیزش‌های فکری و اجتماعی گفته می‌شود که درصدد اصلاح جامعه در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی یعنی از توزیع قدرت سیاسی تا توزیع عادلانه امکانات و فرصت‌های مادی و معنوی و از اصلاح فکری و فرهنگی تا اصلاح نظام سیاسی باشند (صدقی، ۱۳۹۴: ۱۳۳). از سوی دیگر نهضت به معنای حرکت و خیزش برای قیام علیه امر و وضع نامطلوب تعریف شده است. نهضت زمینه‌ساز و بسترساز وقوع تحولات مهم است. آنچه نهضت برای آن به وقوع می‌پیوندد و برای آن زمینه‌سازی می‌کند، به آن هویت می‌دهد (بهمن و خانلو، ۱۳۹۴: ۷۲).

تام باتامور یکی از جامعه‌شناسان سیاسی، نهضت را کوشش جمعی برای رسیدن به هدف یا مقاومت در برابر دگرگونی در یک جامعه اطلاق می‌کند. استاد شهید مرتضی مطهری، نهضت را حرکت اصلاح‌طلبانه اجتماعی می‌داند که به دنبال تغییر وضع موجود به وضعی مطلوب است. در تعریفی دیگر، نهضت به معنی «هیجان، حرکت مردمی و کوشش جمعی برای رسیدن به هدفی روشن به‌ویژه دگرگونی در بعضی نهادهای اجتماعی» توصیف شده است؛ که در این معنا، نهضت در برابر احزاب یا گروه‌های فشار در نظر گرفته می‌شوند. دکتر موثقی، جنبش‌های اجتماعی و سیاسی را از مقوله تغییر و تحول اجتماعی می‌داند. دکتر حمید احمدی، یکی دیگر از اساتید صاحب‌نظر درباره نهضت‌ها با مفهوم اقدام جمعی به تبیین مفهوم نهضت پرداخته است. اقدام جمعی به عنوان یکی از مفاهیم مهم جامعه‌شناسی سیاسی، دارای رهیافت‌های مختلف است. دکتر احمدی نهضت را گروه‌های سازمان‌یافته‌ای در نظر گرفته که در پی دستیابی به اهداف خاص هستند. با توجه به تعاریف ارائه شده از دیدگاه‌های مختلف، می‌توان گفت نهضت پدیده‌ای اجتماعی



1. Renaissance

است که بر اساس فکری اصلاح‌طلبانه، بشری یا الهی درصدد تحول در ابعاد مختلف حیات اجتماعی با استفاده از شیوه‌های مسالمت‌آمیز جمعی یا جزئی آن بوده است و لزوماً به انقلاب ختم نمی‌شود. همان‌گونه که اشاره شد، نهضت یا جنبش مولود اجتماعی است که اغلب دغدغه اصلاح نظم سیاسی و اجتماعی را در یک جامعه دنبال و همدلی و همراهی فکری و عملی مردم را جلب می‌کند. همچنین به‌صورت مسالمت‌آمیزی برای تحقق امور و تفکر اصلاحی در قالب نهادها و سازمان‌های سیاسی قانونی یا گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی و شبه‌نظامی غیرقانونی مبارزه می‌کند (صدقی، ۱۳۹۴: ۱۳۶ - ۱۳۵).

به‌طور کلی از مجموعه تعاریف فوق می‌توان نهضت را سازمان‌دهی، پُشتیبانی و هدایت جنبش‌های اسلامی و غیراسلامی در مقابله با نظام سُلطه جهانی دانست. جنبش‌های اسلامی و غیراسلامی استکبارستیز، محور مقاومت و امریکا و حلقه‌های حامی او محور سُلطه‌گران هستند. لذا مدیریت نهضتی به‌دنبال حمایت و تقویت محور سُلطه‌ستیزان است. نهضت‌های سیاسی و اجتماعی را می‌توان به‌انواع مختلفی تقسیم کرد که مبنای این تفکیک به علت تفاوت آنها در ماهیت، شیوه مبارزه و هدف آنها است.

مفهوم عمق‌بخشی خارجی

عمق‌بخشی خارجی^۱ را با مفهوم جامعه‌پذیری سیاسی بین‌المللی^۲ بهتر می‌توان تبیین نمود. عمق‌بخشی به‌دنبال ترویج و تقویت ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی به ملت‌ها است؛ در حالی که جامعه‌پذیری بین‌المللی به‌دنبال هضم‌نمودن ارزش‌ها و فرهنگ‌های بومی در هاضمه نظام سرمایه‌داری و لیبرال دموکراسی نظام سُلطه است. از این‌رو غرب هیچ دولت مقتدر و مستقلی را عملاً به رسمیت نخواهد شناخت، مگر آنکه در چهارچوب منافع یا لاقط نظام ارزشی آنها عمل کند.

با این نگاه عمق‌بخشی با رویکرد ارزش‌گستری کاملاً متفاوت از ادبیاتی چون امپریالیسم و قلمروگستری^۳ می‌باشد.

عمق‌بخشی را می‌توان چنین تعریف نمود: «هرگونه اقدام عملی مشروع در جهت صدور انقلاب و حمایت از مظلومان و مستضعفان جهان مبتنی بر مبنای اسلام، انقلاب، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و همچنین منویات حضرت امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در راستای تحقق و عملی‌ساختن راهبردهای اساسی نظام متناسب با مقتضیات و شرایط زمان و مکان» (افتخاری و دیگران، ۱۳۹۶: ۶۷).

1. External Deepening
2. International Political Socialization
3. Territoriality

برخی نیز از افق‌های مهم معنایی «وجه نرم» این واژه را ترسیم نموده‌اند. خرمشاد در مصاحبه با سایت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به ویژگی‌هایی از عمق راهبردی نظام اسلامی اشاره می‌کند: «عمق‌بخشی خارجی انقلاب اسلامی عبارت است از: گسترش قلمروی نرم انقلاب اسلامی، از طریق الگوشدن آن در فراتر از مرزهای پیرامونی‌اش، که از طرفی با جلب حمایت توده‌های مردم در سرزمین هدف، و از سوی دیگر، با ایجاد و توسعه نفوذ نرم انقلاب اسلامی در آن منطقه، منجر به خلق مصونیت برای منافع (ملی و فراملی) سرزمین مادر، در برابر تهدیدهای نرم یا سخت حریف می‌شود» (افتخاری و دیگران، ۱۳۹۶: ۶۹ - ۶۸).

از منظر دکتر سید یحیی صفوی نیز عمق‌بخشی انقلاب اسلامی یعنی «تقویت، توسعه، افزایش اقتدار، تأثیرگذاری، نفوذ انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران در خارج از مرزهای جغرافیایی ایران در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی ... در دولت‌ها و ملت‌های گوناگون با ویژگی‌های دفاع از مسلمانان و مستضعفان غیرمعارض با اسلام، بازدارندگی مؤثر و توانا در تغییر راهبردها و سیاست‌های دشمن، توان وادارنمودن دشمن به انصراف از حمله یا تهدید جمهوری اسلامی ایران، قادربودن به واکنش سریع در خارج از کشور با قابلیت بی‌اثر یا کم‌اثرنمودن و دورکردن تهدیدهای خارجی به‌ویژه امریکا و رژیم صهیونیستی» (افتخاری و دیگران، ۱۳۹۶: ۶۸). از نظر ایشان عمق استراتژیک به ابزارهای سیاسی، جغرافیایی، نیروی انسانی، اعتقادی، نیروهای بالقوه و بالفعل دفاعی یک ملت و یک کشور برای دفاع از خود در مقابل توطئه‌ها و دسیسه‌های کشورهای متخاصم گفته می‌شود و در کلیت مفهومی، «راهبرد عمق استراتژیک» عبارت است از: هر آن چیزی که، نقطه قوت برای کشوری و نقطه تهدید برای کشور رقیب محسوب شود و بتواند نقش بازدارندگی را برای کشور دارنده آن بازی کند (صفوی، ۱۳۹۲: ۱۲).

از نظر اینجانب عمق‌بخشی خارجی، تلاش و حرکت در جهت ترویج و تقویت روحیه و رویکرد ضدظلم و قیام مردمی علیه سیستم و حاکم ظالم در راستای تحقق عدالت جهانی است. البته می‌توان و باید ایده صدور انقلاب را در بافتار عمق‌بخشی خارجی به‌موازات تعمیق عمق‌بخشی داخلی (جامعه‌پذیری) با محوریت الهام‌بخشی، به‌صورت هم‌زمان پیش برد. یعنی توجه هم‌زمان به هر دو مسئله «عمق‌بخشی داخلی» و «عمق‌بخشی خارجی»؛ از یک طرف ساختن یک جامعه نمونه مبتنی بر ارزش‌های والای الهی و انسانی و از طرف دیگر تلاش جهت ترویج و گسترش این الگوی نمونه در تمام ممالک و ملل خارجی. به‌عبارت دیگر صدور انقلاب و عمق‌بخشی خارجی ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی بدون عمق‌بخشی داخلی و الهام‌بخشی در ابعاد مختلف، خیلی نمی‌تواند از سوی سایر



ملت‌ها مورد توجه و عنایت ویژه قرار گیرد. ضرب‌المثل معروف «کَلْ اِگْر طَبِیبٌ بُوْدی سَرِ خُود دُوا نَمُودی»، ناظر به همین مسئله است؛ کما اینکه قرآن کریم نیز همه ما را از گفتن چیزی که خود عامل به آن نیستیم، بر حذر می‌دارد.^۱

بر اساس آیات شریفه ۴۵ و ۴۶ سوره احزاب^۲ انبیای الهی قبل از هر امر ونهیی خود شاهد و نمونه عالی حیات انسانی بوده‌اند که به اذن خدا چون چراغی روشن، نورافشانی می‌کنند. به عبارت دیگر ما تا خودمان نمونه تام و تمام استقلال طلبی و عدالت خواهی نباشیم، حنای یک نظام انقلابی برای سایر ملل و مستضعفان جهان رنگی نخواهد داشت. لذا دعوت به استکبارستیزی و ظلم‌ستیزی بدون تشکیل یک حکومت اسلامی عامل به ارزش‌های الهی و انسانی به دور از هرگونه «فقر و فساد و تبعیض» برای افکار عمومی قابل پذیرش نیست. به همین دلیل رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) بارها فرمودند: پس از تشکیل انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام اسلامی، ما در دولت اسلامی متوقف شدیم تا به سوی جامعه و تمدن اسلامی گام برداریم.^۳ از منظر ایشان بعد از این مرحله، مرحله تَلَاؤُ نظام اسلامی است؛ یعنی مرحله ایجاد کشور اسلامی. اگر این مرحله به وجود آمد، آن وقت برای مسلمان‌های عالم، الگو و اسوه می‌شویم: «لتكونوا شهداء على الناس».^۴

به این ترتیب استکبارستیزی و استقلال طلبی انقلاب اسلامی در سیاست خارجی، بدون پاسداشت دو شعار اصلی انقلاب در سیاست داخلی یعنی آزادی خواهی و عدالت طلبی، هرگز الهام بخش ملت‌های جهان نخواهد شد و بلکه عمق بخشی طبیعی انقلاب را نیز در جهان شکننده و آسیب پذیر خواهد نمود. به عبارت دقیق تر ام القرای مقاومت خود باید نمونه و الگوی موفق استقلال خواهی در عرصه خارجی و آزادی خواهی در عرصه داخلی در سایه تعالیم متعالی و روح بخش عدالت اسلامی باشد (قادری کنگاوری، ۱۳۹۸: ۲۶۰)

۱. آیه ۴۴ سوره بقره: «تَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ...». آیا مردم را به نیکی دعوت می‌کنید، اما خودتان را فراموش می‌نمایید. آیه ۲ سوره صف: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ». ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی را می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟ (چرا وعده به قصد تخلف می‌دهید؟)

۲. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا وَ دَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَ سِرَاجًا مُنِيرًا» ای پیامبر، ما تو را فرستادیم تا بر رفتار و کردار امت گواه باشی، و مؤمنان را به بهشت و پادشاه‌های الهی مژده دهی، و کافران و گنهکاران را از عذاب دوزخ بترسانی. تو را فرستادیم تا مردم را به اذن خدا به سوی او فراخوانی و در راهنمایی آنان به سوی سعادت چراغی تابان باشی.

۳. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در بیانیه مهم گام دوم انقلابی به دو مشکل «عیوب ساختاری» و «ضعف‌های مدیریتی» اشاره می‌کند. ر. ک: <http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

۴. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، مورخ ۲۱/۰۹/۱۳۸۰. ر. ک: <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2634>



لازم به ذکر است هنر دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران، تبدیل کردن تجربه‌های ملی به الگوهای فراملی بوده است. در واقع دیپلماسی نهضتی ایران، الگوهای درون‌مرزی را به الگوهای فرامرزی تبدیل کرده است؛ به‌نحوی که مردم کشورهای مختلف با تأثیرپذیری و الگوگیری از چنین رویدادهایی، دست به اقدام‌های عملی بزرگی می‌زنند و اهداف خود را به‌رغم وجود دولت‌های سرکوب‌گر و حامیان خارجی آنها پیش می‌برند (بهمن و خانلو، ۱۳۹۴: ۹۲). بنابراین با ساختن یک جامعه عدالت‌محور و اخلاق‌مدار، انقلاب به‌خودی‌خود به تمام جهان صادر خواهد شد؛ یعنی موردتوجه و الهام‌گیری قرار می‌گیرد.

نظریه مقاومت

اینجانب در مقاله‌ای با عنوان «نظریه مقاومت در روابط بین‌الملل؛ رویکرد ایرانی - اسلامی نفی سبیل و برخورد با سلطه» (قادری‌کنگاوری، ۱۳۹۲) در سال ۱۳۹۲ و سپس کتاب «نظریه مقاومت و نظریه‌های غربی روابط بین‌الملل» (قادری‌کنگاوری، ۱۳۹۴) در سال ۱۳۹۴ نظریه مقاومت^۱ را برای اولین بار در کشور مطرح و تئوریزه نموده‌ام. واژه مقاومت برگرفته از فعل ثلاثی مجرد «قام» به‌معنای به‌پاخاستن و برخاستن و نیز پایدارماندن است. این واژه بر وزن مفاعله و به‌معنای با کسی باهم‌برخاستن یا با هم از جا بلندشدن و با کسی ضدیت‌کردن و نیز ایستادگی و پایداری‌کردن است. در فرهنگ‌های لغت عربی چهار کاربرد برای این واژه آورده شده است:

۱. قَاوَمَ أَعْدَاءَ بِلَادِهِ: نَاصِلَ ضِدِّهِمْ، عَارَضَهُمْ بِالْقُوَّةِ: بر ضد آنان مبارزه کرد.
۲. ظَلَّ يَقَاوِمُ الْمَرَضَ: يَصَارِعُ الْمَرَضَ، يُوَاجِهُهُ: در برابر بیماری مقاومت و ایستادگی کرد.
۳. قَاوَمَهُ فِي الْمُصَارَعَةِ: غَالِبَهُ: بر او چیره شد.
۴. قَاوَمَهُ فِي حَاجَةٍ: قَاوَمَ مَعَهُ فِيهَا: در نیازی با او مجادله و محاجه کرد.

بنابراین معنای غالب در واژه مقاومت، ایستادگی و مقاومت‌کردن در برابر چیزی است که توازن و تعادل را برهم زده، خواه این عامل درونی باشد مانند امیال نفسانی یا بیرونی مانند: بیماری یا تجاوز و اشغالگری. در علم صرف عربی آمده است که دو باب «مفاعله» و «تفاعل» برای مشارکت کاربرد دارد که اولی مشارکت یک‌طرفه و دومی مشارکت دوطرفه را می‌رساند. نکته قابل‌توجه در فعل «قام» این است که آن فعل تنها در باب مفاعله کاربرد دارد؛ زیرا پایداری و مقاومت، زمانی به کار می‌رود که یک طرف به‌دلایلی بر طرف دیگر غالب شود و طرف مقابل می‌بایست در برابر آن از خود پایداری نشان دهد و یک مقاومت

1. Resistance Theory

یک‌طرفه به دست می‌آید و به همین دلیل این ریشه در باب «تفاعل» کاربرد ندارد. نکته دیگر هم‌نشینی حرف «ق» که در تلفظ از حروف قوی بوده، با حرف مد (ا) است که پایداری و ایستادگی در برابر چیزی را می‌رساند. لذا مقاومت محدود به رویارویی در میدان جنگ نیست و هر نوع مقاومت و پایداری در برابر عوامل برهم زنده تعادل و توازن را شامل می‌شود. به عبارت دیگر مقاومت یک وجه قتالی نیست، بلکه یک رویارویی فرهنگی، تبلیغاتی، تربیتی و اخلاقی و سلوکی و اقتصادی و سیاسی و نظامی است (میرقادری و کیانی، ۱۳۹۱: ۷۱ - ۷۰).

نظریه مقاومت در چهارچوب جهان‌بینی توحیدی و معرفت‌وحیانی به‌عنوان یک نظریه‌رهایی‌بخش در قالب پارادایم سلطه‌ستیزی و برخورد با سلطه و مبتنی بر قدرت روایت انقلاب اسلامی از متن اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و با هدف غرزدگی‌زدایی^۱ از مناسبات قدرت و سیاست بین‌الملل تئوری‌پردازی شده است. بدون شک چنین مقاومتی - مقاومت پویای مُنبعث از انقلاب اسلامی و نه مقاومت منفعلانه - برگرفته از متن قرآن و سنت رسول‌الله‌الاعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است. می‌توان تأکید کرد که شکل‌گیری «پارادایم کربلا»^۲ بر دوپایه «هیئات منّا الذله» با هدف دفاع از کرامت و عزت آدمی و «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا و کل شهر محرم» با هدف تداوم ابدی فرهنگ عاشورا در هر عصری و نسلی و هر زمانی و زمینی، توانسته است گفتمان قدرت مقاومت^۳ و بلکه سیاست مقاومت^۴ را در تقابل با سیاست قدرت^۵ غربی ارائه دهد.

نظریه مقاومت بیانگر روایت دیگری از متن سیاست و روابط بین‌الملل مبتنی بر تزویر^۶ و معیارهای دوگانه^۷ است. نظریه مقاومت با مبانی فرانظری هستی‌شناسانه، معرفت‌شناسانه و روش‌شناسانه متعالی، رویکرد جدید و نوینی را مطرح می‌کند، که دارای رگه‌های شالوده‌شکنانه نسبت به ساختار و عملکرد نظام بین‌الملل است. لذا نظریه مقاومت مبتنی و متکی بر یک سری مبانی محکم اعتقادی و عقلانی جهان‌شمول پیرامون نظام سلطه و سلطه‌گری، قاعده نفی سبیل، حق تعیین سرنوشت، جهاد و حق دفاع مشروع است (قادری

1. Narrative Power
2. dewesternoxiation

۳. پارادایم کربلا Karbala Paradim منبعث از این کلام تاریخی و انقلابی حضرت سیدالشهداء امام حسین(ع) در روز عاشورا خطاب جبهه دشمن است که فرمود: «أَلَا إِنَّ الدَّعِيَّ بْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ السَّلَةِ وَ الدَّلَّةِ وَ هَيْهَاتَ مِنَّا الدَّلَّةُ».

4. resistance power
5. resistance politics
6. power politics
7. Hypocrisy
8. Double Standards

نظریه مقاومت از یک منظر، مبتنی و متکی بر «الهیات رهایی‌بخش» و «رنج متعالی» است و این الهیات بخشی از مبانی فلسفی و کلامی گفتمان مقاومت، استراتژی و دیپلماسی نهضتی را تشکیل می‌دهد. الهیات رهایی‌بخش تفسیری از الهیات دینی است که بر آزادسازی ملل مستضعف، مظلوم و تحت‌ستم سراسر جهان تأکید می‌کند. (Ghaderi Kangavari, 2017 and 2018). الهیات رهایی‌بخش یا آزادی‌بخش^۱ به‌عنوان یک بحث جدید در حوزه الهیات بر این اساس استوار است که خداوند می‌خواهد تمام ابعاد انسان نجات یابد، نه فقط بعد روحی او (توماس، ۱۳۸۷: ۱۲۸). در واقع این اصطلاح به‌لحاظ نظری به هر الهیاتی اطلاق می‌شود که شرایط ظالمانه را مورد‌خطاب قرار داده یا با آن در بیفتد. اما در عمل این اصطلاح برای اشاره به شکل کاملاً متفاوتی از الهیات به کار می‌رود که ریشه در اوضاع و احوال امریکای لاتین در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ دارد. در سال ۱۹۶۸ اسقف‌های کلیسای کاتولیک در امریکای لاتین در همایشی که با علامت اختصاری CELAM II در مدلین^۲ کلمبیا شناخته می‌شود، ضمن اعتراف به اینکه تاکنون کلیسا در این منطقه معمولاً جانب دولت‌های ظالم را گرفته است، اعلام کردند که از این به بعد کلیسا جانب تهی‌دستان را خواهد گرفت (آلیستر، ۱۳۸۴: ۲۳۱ - ۲۳۰). در چنین شرایطی نهادهای حاکمیتی با سوءاستفاده از آموزه‌های مسیحیت کلاسیک، سعی در توجیه شرایط موجود یعنی دو مسئله استعمار خارجی و استبداد داخلی به‌نفع خود داشتند و این دولت‌ها که معمولاً دست‌نشانده استعمارگران کهنی مانند اسپانیا، پرتغال، انگلیس و بعضاً امریکا بودند و با کلیسای کاتولیک رم ارتباطات خوبی داشتند، به‌شکل‌های مختلف تلاش می‌کردند تا از آموزه‌ها و اتوریته مذهبی کلیسای کاتولیک برای حفظ وضع موجود استفاده کنند.

در این رهیافت، عدالت پیش‌فرض و پیش‌نیاز ایمان و معنویت است. اساساً هدف این گفتمان آزادسازی جامعه از استعمارگران خارجی و حکومت‌های خودکامه داخلی بود که هر دو پشت مسیحیت کلاسیک و الهیات وحیانی کلیسای کاتولیک سنگر گرفته بودند. الهیات رهایی‌بخش، استعمال خاصی از الهیات سیاسی در باب فقر و ظلم است. بنابراین الهیات رهایی‌بخش با نوعی تعهد در برابر فقرا و مبارزه برای آنان آغاز می‌شود. الهی‌دانان آزادی‌بخش با تأکید بر حضور دین در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی، معتقدند که الهیات باید در برابر آرمان رهایی و آزادی از وضعیت کنونی مستضعفان و ستمدیدگان متعهد باشد (عبائی، ۱۳۹۰).

1. Liberation theology
2. Medellin

ناگفته نماند که برخی از طلاب و حوزویان حوزه‌های علمیه ایران مطلع از جریان فکری جهان مسیحیت، درصدد توسعه ارتباطات با رهبران الهیات رهایی‌بخش بوده‌اند. مواضع همدلانه رهبران این جنبش فکری - مذهبی با مواضع استکبارستیزانه جمهوری اسلامی نیز قابل تأمل است. شاید به همین دلیل باشد که دستگاه دیپلماسی کشور ما در طول دوران بعد از انقلاب نگاهی مثبت به امریکای لاتین داشته است.

جایگاه مقاومت در قانون اساسی

طبق اصول روشن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که برآمده از مبانی قرآنی و توحیدی است حمایت از مسلمانان، مستضعفان و مظلومان عالم در برابر قدرت‌های مستکبر یکی از اصول مسلم سیاست خارجی است. از آنجا که جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال، آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد، بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حقیقت‌طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.

انقلاب اسلامی ایران به‌رهبری امام خمینی(ره) که انقلابی در راستای اهداف پیامبران است، همواره یکی از مهم‌ترین اهداف و اصول آن حمایت از مستضعفان عالم است، که به‌عنوان نهضت مستضعفان نیز معروف است. قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران، که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفان بر مستکبران بود، زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند. به‌ویژه در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه امت واحده را هموار کند و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت‌ستم در تمامی جهان قوام یابد. با توجه به مبانی اسلامی و اصول یادشده در قانون اساسی، نظام جمهوری اسلامی خود را موظف به حمایت از حقوق همه انسان‌ها، خصوصاً مسلمانان و مستضعفان جهان می‌داند.

در مقدمه قانون اساسی آمده است: «قانون اساسی با توجه به محتوای انقلاب اسلامی ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند. به‌ویژه در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت‌ستم در تمامی جهان فراهم آید». در ذیل به برخی از مهم‌ترین

اصول قانون اساسی پیرامون نفی سلطه و حمایت از مستضعفان جهان در چهارچوب

- بند ج اصل ۲ قانون اساسی: «نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سُلطه‌گری و سُلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و هم‌بستگی ملی را تأمین می‌کند».
- بند ۱۶ اصل ۳ قانون اساسی: «تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همهٔ مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان».
- اصل ۱۱ قانون اساسی: «به‌حکم آیهٔ کریمهٔ «ان هذه امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون» همهٔ مسلمانان یک امت هستند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایهٔ ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیری به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق ببخشد».
- اصل ۱۴ قانون اساسی: «به‌حکم آیهٔ شریفهٔ «لا ینهاکم الله عن الذین لم یقاتلواکم فی الدین و لم یخرجواکم من ديارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین» دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظف هستند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند، این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضداسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند».
- بند ۸ اصل ۴۳ قانون اساسی: «جلوگیری از سُلطهٔ اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور».
- اصل ۱۵۲ قانون اساسی: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سُلطه‌جویی و سُلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همهٔ مسلمانان و عدم‌تعهد در برابر قدرت‌های سُلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحراب استوار است».
- اصل ۱۵۳ قانون اساسی: «هرگونه قرارداد که موجب سُلطهٔ بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد، ممنوع است».
- اصل ۱۵۴ قانون اساسی: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعهٔ بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همهٔ مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزهٔ حق‌طلبانهٔ مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند».



۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۵)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، همچنین ر. ک به:

http://rc.majlis.ir/fa/content/iran_constitution.

یکی از این حوزه‌های مهم و راهبردی در سیاست خارجی و امنیتی کشور، مسئله مقاومت و دیپلماسی نهضتی است. سیاست خارجی اساساً مسئله‌ای فراجنبی و فراجناحی است؛ چراکه مستقیماً با منافع و امنیت ملی کشور سروکار دارد. به‌عبارت دقیق‌تر برخلاف سیاست داخلی، چندصدایی در عرصه سیاست خارجی به‌خصوص در حوزه عمل، اگر توسط یک ستاد مرکزی و حاکمیتی مدیریت و هدایت نگردد، سم مهلک و زهری کشنده^۱ است. این نوع سیاست خارجی که می‌توان از آن به «سیاست خارجی هزاردستان» یاد نمود. یکی از مشکلات بنیادی که در عرصه سیاست خارجی است، به‌تعبیر قرآن مشخصه بارز آن تشتت و تفرق در صحنه عمل و اقدام است^۲ در این میان تصور بسیاری از علاقه‌مندان به حوزه روابط خارجی و بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران این است که تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در سیاست خارجی تنها در وزارت امور خارجه انجام می‌پذیرد و کاربست سیاست خارجی نیز در همین مجموعه به‌موقع اجرا گذارده می‌شود. در حالی که وزارت خارجه صرفاً یکی از نهادهای ذی‌ربط، تأثیرگذار و نقش‌آفرین در این عرصه است و حتی در بسیاری از حوزه‌ها به‌دلیل جنس و ماهیت مأموریت و حساسیت مسئله، نقش آن‌چنانی ندارد؛ به‌گونه‌ای که تصمیم‌گیری و اجرای آن خارج از ساختار رسمی وزارت خارجه انجام می‌گیرد.

در کشور ما البته نهادهای متعدد و متنوعی قانوناً درگیر سیاست خارجی هستند که مأموریت‌های محوله بعضاً با هم دیگر هم‌پوشانی پیدا می‌کنند. به‌عنوان مثال وزارت خارجه مسئول دیپلماسی رسمی کشور است و هم‌زمان دستگاه‌های دیگری هم در حوزه دیپلماسی مشغول فعالیت هستند. نیروی قدس سپاه مسئول دیپلماسی نهضتی، جامعه المصطفی و نمایندگی‌های خارجی بیت رهبری مسئول دیپلماسی مذهبی، صداوسیما مسئول دیپلماسی رسانه‌ای؛ سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی مسئول دیپلماسی فرهنگی، وابستگان نظامی ارتش و سپاه مسئول دیپلماسی دفاعی، وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه مسئول دیپلماسی اطلاعاتی - امنیتی و... هستند. لذا اگر فعالیت‌های متعدد و متنوع مراکز مذکور در عرصه بین‌الملل به‌صورت متمرکز برنامه‌ریزی، طرح‌ریزی و مدیریت نشود، یا استقلال ساختاری به‌وحدت کارکردی نینجامد، در بهترین حالت موازی‌کاری خواهد بود که هم‌افزایی را موردخدا و آسیب جدی قرار خواهد داد^۳.

1. Deadly poison

۲. «إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَى» (لیل: ۴): همانا کارهای شما متشتت و متفرق است.

۳. به‌طور کلی، بر اساس قانون اساسی، نهادهای زیر در فرایند و ساختار تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری خارجی حضور دارند: ۱. نهاد رهبری، ۲. قوه مجریه شامل رئیس‌جمهور، هیأت وزیران، وزارت امور خارجه و سایر وزارتخانه‌های ذی‌ربط از جمله دفاع، اطلاعات، نفت] ۳. قوه مقننه شامل: مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان، ۴. مجمع تشخیص



به این ترتیب در چنین فضایی، دیپلماسی نهضتی و مسئله مقاومت به‌رغم تمامی مجاهدت‌ها و رشادت‌های نیروهای ایمانی و جان‌برکف مقاومت، و حتی با وجود آثار و پیامدهای راهبردی آن در جهت عمق‌بخشی خارجی نظام انقلابی جمهوری اسلامی و افزایش توان بازدارندگی و تقویت حاشیه امن محیط پیرامونی امنیت ملی کشور، متأسفانه جز با پشتیبانی و حمایت سیاسی - اقتصادی و دیپلماتیک مناسب و متناسب با ظرفیت‌های نهضتی در منطقه و جهان به‌خصوص در مناطق راهبردی مثل غرب آسیا، بالکان و امریکای لاتین، نمی‌توان از دستاوردهای آن استفاده و بهره‌برداری حداکثری نمود. به‌عبارت دیگر در صورت قرارنگرفتن چرخ‌دنده‌های دیپلماسی رسمی و نهضتی بر روی یکدیگر - به‌معنای دقیق کلمه - نه می‌توان منافع ملی و امنیتی کشور را تأمین و تضمین نمود و نه می‌توان نظام سلطه را وادار به پذیرش حقوق حقه ملل تحت‌ستم و مستضعف جهان کرد و «افراط‌گرایی» و «مداخله‌گرایی» را که دو روی سکه استکبار جهانی هستند، مهار و ریشه‌کن نمود.

به‌طور کلی دیپلماسی نهضتی بر پایه دو اصل ثابت قرار دارد: از یک‌طرف مبارزه با افراط‌گرایی و فرقه‌گرایی، از طرف دیگر کمک به جنبش‌های ضدامریکایی و ضدصهیونیستی و دولت‌های حامی مقاومت در سراسر جهان. به‌عبارت دیگر عمق‌بخشی خارجی و افزایش توان بازدارندگی کشور، دو هدف راهبردی در عرصه سیاست خارجی انقلاب اسلامی است که نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بازوی اجرایی، موتور محرکه و پیش‌ران اصلی جهت پیشبرد اهداف مذکور است.

دیپلماسی نهضتی در ظاهر ترکیبی نامتجانس دارد؛ زیرا از ترکیب دیپلماسی به‌عنوان امری رسمی و نهضت به‌مثابه رویکردی غیررسمی ایجاد شده است. ترکیب دیپلماسی و نهضت به این معنا است که: یک ابزار رسمی (دیپلماسی) باید در خدمت هدفی غیررسمی (نهضت) قرار گیرد. در واقع دیپلماسی نهضتی، تاکتیک اجرای استراتژی مقاومت است. نوک پیکان دیپلماسی نهضتی به‌سمت نظام سلطه و صرفاً معطوف به یک‌به‌یک بازیگران این نظام نیست، بلکه متوجه ساختار نظام است تا اجزای آن را با چالش مواجه کند. بدین معنا که دیپلماسی نهضتی علاوه بر آنکه به توان داخلی و دفاعی بازیگران نظام سلطه آسیب می‌زند، بلکه همکاری موجود بین آنها و توانایی به‌کارگیری سایر بازیگران توسط یک بازیگر قدرتمندتر را کاهش می‌دهد (بهمن و خانلو، ۱۳۹۴: ۷۳ - ۷۲). اصول سیاست

مصلحت نظام، ۵. شورای عالی امنیت ملی، ۶. نیروهای مسلح به‌ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ۷. قوه قضائیه. جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص نقش و جایگاه نهادهای مذکور، ر. ک: (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۲۹۲ - ۲۵۳).



خارجی اسلام از جمله اصل ظلم‌ستیزی و نفی سبیل، عدالت‌خواهی، عزت و کرامت، دعوت، و جهاد ریشه‌ها و بنیان‌های نهضتی را شکل می‌دهند (بهمن و خانلو، ۱۳۹۴: ۷۷ - ۷۵).

دیپلماسی نهضتی را می‌توان چنین تعریف نمود: «تلاش و مجاهدت اعتقادی و ایمانی نیروهای مردمی با هدف بسیج مستضعفان عالم علیه نظام سلطه در جهت ترویج و تثبیت گفتمان مقاومت». بر طبق این تعریف، مقاومت و دیپلماسی نهضتی هرگز محدود و محصور در میان مسلمانان و جهان اسلام نیست^۱. درست به همین دلیل است که بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی(ره) معتقدند: «نهضت برای اسلام نمی‌تواند محصور باشد در یک کشور، و نمی‌تواند محصور باشد در حتی کشورهای اسلامی، نهضت برای اسلام، همان نهضت انبیاست» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۴۴۶).

لذا دیپلماسی نهضتی محصول باور به گفتمان مقاومت است که ریشه در نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری «لا تَظْلَمُونَ وَ تُظْلَمُونَ» دارد. از این رو مقاومت رویکردی مبتنی بر «آرمان‌گرایی واقع‌بینانه» دارد. دیپلماسی نهضتی با هدف تقویت خودباوری ملت‌ها، رگه‌ها و لایه‌هایی از هر سه نوع دیپلماسی دولتی، عمومی و پنهان را در خود دارد. اما پایه و بستر دیپلماسی نهضتی، در تعامل با جوامع مظلوم و مستضعف جهان با هدف بیدارسازی و تحقق عدالت با کمک خودشان انجام می‌پذیرد. این درست هدف تمام انبیا بوده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» (حدید: ۲۵).

بر این اساس دیپلماسی نهضتی، هدف نهایی خود را حمایت از نهضت‌ها، ملت‌ها و دولت‌هایی قرار داده است که هریک به‌نحوی درگیر معضلاتی همچون اشغالگری، استبداد، سرکوب، استعمار، مداخله خارجی و ... هستند. در این راستا دیپلماسی نهضتی عموماً با نهضت‌ها، ملت‌ها و دولت‌هایی سروکار دارد که از یک یا چند عامل رنج برده و دچار آسیب شده‌اند:

۱. ملت‌هایی که به‌واسطه وجود حکومت‌های سرکوبگر تحت‌فشار هستند و حقوق شهروندی آنها در ابعاد مختلف نادیده گرفته و به‌انحای مختلف بر تمام یا بخشی از آنها فشار وارد می‌شود.

۲. ملت‌هایی که به‌دلایل مختلف سرزمین آنها تحت‌تهاجم خارجی قرار گرفته است و توان مقابله با قدرت خارجی را ندارند. نمونه آن اقدام‌های دیپلماسی نهضتی در عراق و

۱. به‌تعبیر زیبا و عمیق سید حسن نصرالله، دبیر کل حزب‌الله لبنان «حیث یجب أن نکون سنکون» یعنی هرکجا به‌حضور مقاومت نیاز باشد، فی الفور آنجا خواهیم بود.





افغانستان یا در کشورهایی همچون یمن و بحرین است.

۳. ملت‌هایی که بخشی یا تمام سرزمین آنها در اشغال نیروهای متخاصم قرار گرفته است. نمونه واضح آن، اشغال سرزمین فلسطین توسط رژیم صهیونیستی است که دیپلماسی نهضتی توانسته به‌انحای مختلف از مردم فلسطین حمایت کند.

۴. دولت‌هایی که به‌دلیل توطئه‌های خارجی با پدیده‌هایی نظیر تروریسم و افراط‌گرایی مواجه شده و مورد هجمه قرار گرفته‌اند. در چنین شرایطی دیپلماسی نهضتی وارد عمل می‌شود و با کمک به این دولت‌ها، نقش مهمی در برقراری ثبات و امنیت ایفا می‌کند. از نمونه‌های بارز عملکرد دیپلماسی نهضتی در این حوزه می‌توان به سوریه و عراق اشاره کرد (بهمن و خانلو، ۱۳۹۴: ۸۲ - ۸۱).

البته در میان انواع دیپلماسی‌های رایج، دیپلماسی عمومی به‌نسبت دیپلماسی رسمی و پنهان، قرابت بیش‌تری با مفهوم دیپلماسی نهضتی دارد؛ زیرا مخاطبان دیپلماسی عمومی نیز مردم در جوامع خارجی و به‌طور خاص‌تر گروه‌ها، سازمان‌ها و افراد غیررسمی هستند (میلسن، ۱۳۸۹: ۴۲). با این وجود دیپلماسی نهضتی با دیپلماسی رسمی و عمومی دارای تفاوت‌های متعددی است. هدف در دیپلماسی نهضتی ترویج و تقویت باورهای اسلامی و انقلابی و در یک کلام، حفظ مصالح اسلامی از طریق تعامل مستمر با افراد، عامه مردم، نخبگان، نهادها و تشکل‌های مدنی است. اما هدف در دیپلماسی رسمی کسب و حفظ منافع ملی از طریق تعامل با دولت‌ها و نهادهای رسمی و دولتی است. به‌عبارت دیگر دیپلماسی رسمی روابط خود را تنها و به‌صورت رسمی از طریق «دولت‌ها نه ملت‌ها» پیگیری می‌کند و دیپلماسی نهضتی روابط سیاسی خود را از طریق «مردم و ملت‌ها دنبال می‌کند نه دولت‌ها و ساختار رسمی».

دیپلماسی عمومی به‌دنبال تقویت عشق و علاقه جامعه هدف نسبت به فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست کشور ام‌القرای مقاومت یعنی ایران اسلامی است. اما دیپلماسی نهضتی بیشتر به‌دنبال تولید شناخت، بصیرت، ایجاد آگاهی و بیدارسازی ملت‌ها علیه کشورهای سلطه‌گر و ظالم جهانی، به‌خصوص خطر استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل است. در واقع دیپلماسی نهضتی با هدف تقویت برائت و مخالفت مردم با مستکبرین از طریق گسترش فرهنگ مقاومت، می‌خواهد خود ملت‌ها به دولت‌هایشان فشار وارد کنند که از محور و مدار نظام سلطه خارج شوند و طبعاً اگر این اتفاق نیفتد و دولت تغییر رویکردی در سیاست سازش‌کارانه خود ایجاد ننماید، ممکن است در مقابل ملت‌هایشان قرار بگیرند. بنابراین دیپلماسی نهضتی ابتدابه‌ساکن هرگز به‌دنبال جدایی و نفرت‌پراکنی^۱ میان ملت‌ها و

1. hatred

دولت‌ها حتی دولت‌های وابسته و ناهم‌سو با مقاومت به دلیل وابستگی به جبهه استکبار و نظام سلطه نیست.

در حال حاضر یکی از روش‌های تقویت عمق استراتژیک خارجی، حداکثرسازی بهره‌وری از ظرفیت بالای دیپلماسی نهضتی در دو سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است؛ چراکه «توسعه همکاری‌های نهضتی» می‌تواند بستر افزایش رابطه با نهضت‌ها را در کشورهای منطقه به‌ویژه کشورهای اسلامی و همسایه فراهم کند. در واقع دیپلماسی نهضتی می‌تواند ظرفیت و نفوذ جمهوری اسلامی ایران را برای حل‌وفصل مسائل منطقه‌ای افزایش دهد. همچنین دیپلماسی نهضتی به‌عنوان یک دیپلماسی روان و قابل دسترس و تسهیل‌کننده در سطح ملت‌ها و دولت‌ها است که می‌تواند در پیشبرد منافع ملی کشور و کاهش هزینه اقدام‌های دولت در برخی حوزه‌ها مؤثر باشد و قدرت چانه‌زنی کشور را در مسائل مختلف تقویت کند. چنان‌که تجربه سال‌های گذشته سیاست خارجی ایران نشان داده، هرگاه در سیاست‌های منطقه‌ای، دیپلماسی رسمی با مشکل مواجه شده، دیپلماسی نهضتی توانسته تا حد زیادی مشکلات را برطرف نماید. نمونه چنین امری را می‌توان در لبنان، فلسطین، عراق، سوریه، افغانستان، یمن و سایر کشورهای منطقه مشاهده نمود.

در مجموع دیپلماسی نهضتی به‌عنوان ابزاری اجتناب‌ناپذیر برای پیشبرد مقاصد نهضتی و همچنین تأمین منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه است. به همین دلیل نیز علی‌رغم آنکه وزارت خارجه به‌عنوان اصلی‌ترین مسئول توسعه و حفظ روابط دیپلماتیک شناخته می‌شود، با این حال دیپلماسی نهضتی نیز می‌تواند در بسیاری از موارد راهگشای چالش‌ها باشد و می‌تواند بر سطح و گستره روابط خارجی بیفزاید. در این راستا مهم‌ترین کارکرد دیپلماسی نهضتی برای ارتقای امنیت ملی ایران، افزایش توان قدرت نرم جمهوری اسلامی در میان اقشار مختلف مردم و تأثیرگذاری بر افکار نهضتی ملت‌ها است. بررسی مفهوم، ماهیت، ریشه‌ها و بنیان‌های دیپلماسی نهضتی بیانگر نوع جدیدی از دیپلماسی است که دارای ابعاد و زوایای مختلفی است و می‌تواند در آینده، معادلات منطقه‌ای و جهانی را در نظام بین‌الملل تحت تأثیر قرار دهد.

ناگفته نماند در بعضی از حوزه‌های مأموریتی، بخشی از دیپلماسی نهضتی، ماهیت پنهان پیدا می‌کند یا ناگزیر می‌شود برای دستیابی به هدف نهایی خود، اقدام‌های دیگری نیز انجام دهد. این امر هنگامی اتفاق می‌افتد که نهضت‌ها در سازمان‌دهی خود و نیل به پیروزی نهایی با چالش‌ها و مشکلاتی مواجه باشند. در این هنگام دیپلماسی نهضتی می‌تواند از روش‌های آموزشی به ارتقای افکار و عقاید و همچنین سازمان‌دهی نهضت‌ها مبادرت ورزد. در این بین برقراری هرگونه ارتباطی میان کشور کانون با نهضت‌ها برعهده



دیپلماسی نهضتی است که باید این عمل را با خلاقیت‌های خاص خود انجام دهد. باید از یاد برد که دیپلماسی نهضتی به دلیل غیررسمی بودن، به اندازه سایر دیپلماسی‌ها از میدان عمل گسترده‌ای در کشورهای هدف برخوردار نیست. بنابراین ظرافت و حساسیت کار دیپلماسی نهضتی بیش از سایر انواع دیپلماسی‌ها است.

در مجموع می‌توان اذعان نمود که هدف اصلی دیپلماسی نهضتی، استقرار و استمرار روابط طولانی مدت فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست‌های یک نظام سیاسی خاص با سایر جوامع است. از این رو دیپلماسی نهضتی را می‌توان از یک سو برنامه‌ریزی راهبردی و از سوی دیگر اجرای برنامه‌های آموزشی، فرهنگی و اطلاع‌رسانی به منظور ترویج افکار نهضتی تلقی کرد؛ چراکه دیپلماسی نهضتی به دنبال ایجاد رابطه به منظور حمایت و تقویت نهضت‌های آزادی‌بخش در سراسر جهان و به ویژه جهان اسلام است. با چنین اهدافی، سازمان و نظریه پردازان نهضتی برای خود نقشی را قائل می‌شوند که «هالستی» از آن تحت عنوان نقش «سنگر انقلاب» و «رهایی‌بخش» و همچنین «حامی جنبش‌های رهایی‌بخش» یاد می‌کند (بهمن و خانلو، ۱۳۹۴: ۷۸). در واقع دیپلماسی نهضتی برخلاف دیپلماسی رسمی بیشتر «ملت‌محور» است تا «دولت پایه»؛ اگرچه که دیپلماسی نهضتی لزوماً و ضرورتاً با توده‌های مردم ارتباط مستقیم و پوپولیستی ندارد، بلکه با نهضت‌های آزادی‌بخش و گروه‌ها و جنبش‌های مقاومت مرتبط است که خود آن جنبش‌ها و جریان‌های نخبگی بومی هستند و به عنوان نمایندگان واقعی و غیردولتی ملت‌ها، می‌توانند و باید شبکه‌سازی شوند و یک حرکت اجتماعی و گسترده را در چهارچوب مقاومت با هدف تشکیل دولت مقاومت ایجاد نمایند.

جالب اینکه خانم کاندولیزا رایس - وزیر امور خارجه دولت دوم بوش پسر - در ۲۳ نوامبر ۲۰۱۲ مقاله‌ای در روزنامه واشنگتن پست با عنوان «سوریه؛ مرکزی برای باهم بودن در خاورمیانه است» (Rice, 2012) درباره جایگاه ایران در غرب آسیا می‌نویسد: «کارل مارکس همه کارگران جهان را به اتحاد فراخواند و اعلام کرد که نقاط مشترک آنها با یکدیگر بیش از اشتراک‌های آنها با طبقه حاکمی است که آنها را به اسم ناسیونالیسم استثمار می‌کنند. مارکس آنها را ترغیب کرد که «آگاهی کاذب»^۱ هویت ملی را دور بیندازند. در حال حاضر ایران همان کارل مارکس است. ایران گسترش نفوذ خود را در بین شیعیان مدنظر قرار دارد و درصدد است با متحد کردن آنها تحت حکومت مذهبی تهران، یکپارچگی بحرین، عربستان، عراق و لبنان را به نابودی بکشاند».

این مسئله اگرچه بیانگر قدرت نقش و نفوذ ایران اسلامی در اقصانقاط جهان با تأکید



1. false consciousness

بر گفتمان مقاومت و نفی سُلطه و از طرفی ناکارآمدی سیاست مهار^۱ غرب و آمریکا علیه این کشور اسلامی است، اما واقع مطلب این است که انقلاب اسلامی نه تنها در میان شیعیان بلکه در میان آزادی‌خواهان جهان فارغ از هر دین و مذهب و نژادی جای گرفته است و با منطبق خانم رایس ایران مثل مارکس که روزی طبقه پرتولاریای جهان را علیه نظام سرمایه‌داری متحد ساخت، توانسته است طبقه مستضعفان جهان را علیه نظام سُلطه متحد و یکپارچه نماید و این مهم زائیده قدرت نرم نظام انقلابی و اسلامی ایران است.

نقشه راه دیپلماسی نهضتی

دولت جمهوری اسلامی ایران بر اساس هنجارهای هویتی و هستی‌شناسانه عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی، در سایه حمایت از مستضعفان و مظلومان جهان برای خود، نوعی رسالت و مأموریت الهی رهایی‌بخشی قائل است و می‌کوشد نیروهای مقاومت را در برابر نظام سُلطه اعم از سُلطه‌گران و سُلطه‌پذیران متحد و یکپارچه نماید؛ چراکه هویت حقیقی و حرکت جوهری جمهوری اسلامی را در استمرار حرکت انقلاب اسلامی می‌داند. لذا با توجه به اینکه اهداف و آرمان جهانی انقلاب اسلامی بدون تدوین راهبرد و نقشه راه نهضتی در چهارچوب گفتمان مقاومت امری غیرممکن و غیرمنطقی به نظر می‌رسد، در این قسمت به این مهم می‌پردازیم.

با توجه به اینکه انقلاب اسلامی بر پایه ارزش‌های مکتب اسلام شکل گرفته است، با محکوم کردن استکبار و سُلطه‌جویی، حمایت خود را از مستضعفان جهان در اقصانقاط عالم اعلام داشت. در واقع این انقلاب با طرح استکبارستیزی جهانی، نظام جدیدی را به عالم عرضه داشت که در آن، تضاد واقعی میان مستکبران از یک‌سو و مستضعفان جهان از سوی دیگر، کاملاً به چشم می‌خورد؛ زیرا جامعه جهانی روی صلح و آشتی نخواهد دید، مگر زمانی که استکبار و مستکبران از صفحه روزگار محو و مستضعفان بر همه جهان حاکم شوند. امام خمینی(ره) از آغاز نهضت اسلامی به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همواره در بیانات و نوشته‌های خود، بر حمایت از محرومان و مستضعفان تأکید می‌کرد: «ملت آزاده ایران اکنون از ملت‌های مستضعف جهان در مقابل آنهایی که منطقتشان توپ و تانک و شعارشان سرنیزه است، کاملاً پُشتیبانی می‌کند. ما از تمام نهضت‌های آزادی‌بخش در سرتاسر جهان که در راه خدا، حق، حقیقت و آزادی مبارزه می‌کنند، پُشتیبانی می‌کنیم» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۲: ۱۳۸).

همان گونه که قبلاً هم اشاره شد، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر لزوم

توجه به مسائل جهانی به‌ویژه حمایت از مردم و ملت‌های تحت‌ستم در سطح جهان تأکید شده است؛ زیرا همهٔ این قوانین بر پایهٔ موازین و ارزش‌های اسلام و قرآن تهیه شده است و موازین اسلام در چهارچوب مرزهای یک کشور نمی‌گنجد، بلکه متعلق به همهٔ جهان است. در مقدمهٔ قانون اساسی آمده است: «قانون اساسی با توجه به محتوای انقلاب اسلامی که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینهٔ تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند به‌ویژه در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحدهٔ جهانی را هموار کند و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت‌ستم در تمامی جهان فراهم آید» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۵: ۱۵).

در اصل سوم بند ۱۶ قانون اساسی نیز آمده است که: دولت جمهوری اسلامی برای رسیدن به هدف‌های خود موظف است سیاست خارجی کشور را به‌گونه‌ای تنظیم کند که بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همهٔ مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان داشته باشد. همچنین اصول ۱۵۲ و ۱۵۴ بر حمایت از حقوق همهٔ مسلمانان و حمایت از مستضعفان جهان تأکید کرده است.

به این ترتیب دیپلماسی نهضتی بدون راهبرد و نقشهٔ راه مدون جامع، هرگز نه می‌تواند گفتمان واحدی در حوزهٔ مقاومت در نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کشور ایجاد نماید و نه می‌تواند مجموعهٔ ظرفیت‌های کلان کشور را در خدمت مقاومت قرار دهد. چنین نقشهٔ راهی را می‌توان در قالب حضور مادی افقی و نفوذ معنوی عمودی^۱ خلاصه نمود. لذا در این بخش تلاش می‌شود این مسئلهٔ مهم موردبررسی و واکاوی قرار گیرد.

در کشورهای مختلف سازمان‌ها، نهادها، جنبش‌ها، گروه‌ها و شبکه‌های غیردولتی و غیررسمی وجود دارند که هر یک اهداف خاصی را پیگیری می‌کنند. برخی از این جنبش‌ها، گروه‌ها و سازمان‌ها در پی مسائل قومی، نژادی، زبانی و برخی دیگر نیز در پی مباحث هویتی، ارزشی و مذهبی هستند. گاهی این جنبش‌ها و گروه‌ها مطالبات برحق دارند که از سوی دولت‌ها و قدرت‌های حاکم نادیده گرفته می‌شوند. در چنین شرایطی دیپلماسی نهضتی می‌تواند از دو طریق به احقاق حق این جنبش‌ها و گروه‌ها کمک کند: نخست آنکه دیپلماسی نهضتی از راه ارتباط با دولت حاکم تلاش می‌کند رویکرد آن کشور را نسبت به جنبش یا گروه مدنظر تغییر دهد، اما اگر چنین امری محقق نشد، آنگاه راه دوم یعنی توانمندسازی جنبش یا گروه پیگیری می‌شود (زارعی، ۱۳۹۴).

1. Horizontal presence and Vertical penetration/influence



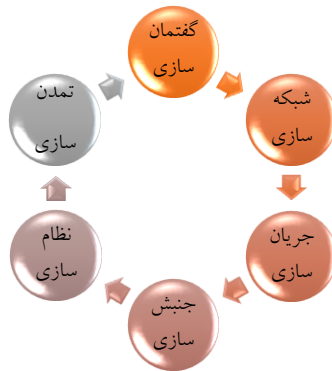
بر این اساس در طول سال‌های گذشته، دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران به‌منظور توانمندسازی نهضت‌ها، ملت‌ها و دولت‌ها در دو سطح ایجابی و سلبی وارد شده و به مقابله با دشمن مشترک پرداخته است. در سطح ایجابی از هویت، مذهب و ارزش مشترک به دفاع برخاسته و از آن صیانت کرده و در سطح سلبی نیز از طریق اقدام‌های قاطع سیاسی و نظامی از هرگونه مداخله خارجی ممانعت کرده است. در واقع دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران در شکل‌دهی به گروه‌ها، جنبش‌ها و نهضت‌ها در راستای ایجاد حس مشترک در حوزه اقدام و عمل گام برداشته است. همچنین دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران برای تحقق اهداف خود، توانمندی در برابر دشمن را یک اصل اساسی تلقی و این توانمندی را در حوزه عمل تعریف کرده است. به این ترتیب در حالی که عموماً گروه‌ها، جنبش‌ها و نهضت‌های کوچک در برابر قدرت‌های بزرگ احساس ضعف می‌کنند، دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران نه تنها باعث ازبین‌رفتن این ضعف شده، بلکه آن‌چنان این گروه‌ها و نهضت‌ها را توانمند کرده است که در برابر قدرت‌های بزرگ دست به ایستادگی و مقاومت می‌زنند (بهمن و خالو، ۱۳۹۴: ۹۱).

شایان ذکر است که دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران برای توانمندسازی جریان‌ها و نهضت‌های مختلف تلاش می‌کند آنها را در ابعاد گوناگون خودکفا کند. در واقع دیپلماسی نهضتی، جنبش‌ها را به‌لحاظ اداره درونی خودکفا می‌کند، تا در شرایط دشوار بتوانند مستقلاً عمل کنند. به‌عبارت دیگر، اگر یک جنبش یا نهضت در محاصره قرار گرفت و ارتباطش با نهضت مادر قطع شد، بتواند به حیات و مقاومت خود ادامه دهد. نمونه واضح چنین امری مقاومت و ایستادگی انصارالله یمن است که به‌رغم محاصره خارجی و قطع ارتباط با نهضت مادر (جمهوری اسلامی ایران) توانست بیش از یک سال در برابر شدیدترین حملات خارجی به‌رفع نیازهای اقتصادی، درمانی، جنگی و... خود بپردازد (بهمن و خالو، ۱۳۹۴: ۹۴ - ۹۳). بر این اساس دیپلماسی نهضتی در طول سال‌های گذشته، موفق شده است ضمن توانمندسازی نهضت‌ها، جنبش‌ها، ملت و دولت‌های مختلف، آنها را در یک جبهه هم‌سو سامان‌دهی کند؛ به‌نحوی که در حال حاضر جبهه مقاومت به‌عنوان ثمره و محصول دیپلماسی نهضتی از ظرفیت‌های درخور توجهی در سطوح منطقه‌ای و جهانی برای تأثیرگذاری بر رویدادها و روندها برخوردار است (بهمن و خالو، ۱۳۹۴: ۹۵).

با این وجود همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، دیپلماسی نهضتی یکی از تأثیرگذارترین حوزه‌های اجرایی در حوزه سیاست خارجی انقلاب اسلامی است و نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به‌عنوان یک نیروی راهبردی در روابط خارجی جمهوری اسلامی



ایران مأموریت مشخصی را حسب قانون اساسی در حوزه نهضتی دنبال می‌کند؛ یعنی حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش اسلامی و ملی و دولت‌های حامی محور مقاومت؛ و همچنین تشکیل هسته‌های مردمی حزب‌الله در سراسر جهان.^۱ در این میان، به نظر می‌رسد نقشه راه نهضتی^۲ شش مرحله را در چهارچوب آرمان‌های ایجابی و سلبی انقلاب اسلامی یعنی عدالت‌طلبی، استقلال‌خواهی و آزادی‌خواهی از یک‌طرف و امریکا (گرایی) ستیزی، صهیونیسم‌ستیزی و وهابیت‌ستیزی (تکفیر) از سوی دیگر، مدیریت و هدایت می‌نماید که این مراحل عبارتند از: ۱. گفتمان‌سازی، ۲. شبکه‌سازی، ۳. جریان‌سازی، ۴. جنبش‌سازی، ۵. نظام‌سازی و ۶. تمدن‌سازی.^۳



شکل ۱. مراحل شش‌گانه نقشه راه دیپلماسی نهضتی

- گفتمان‌سازی

به‌طور کلی گفتمان‌سازی انقلاب اسلامی در دو بُعد ایجابی و سلبی معنا پیدا می‌کند: الف. آرمان‌های ایجابی: آزادی‌خواهی، عدالت‌طلبی، استقلال‌گرایی. ب. آرمان‌های سلبی: امریکاستیزی، صهیونیسم‌ستیزی، وهابیت‌ستیزی در چهارچوب استکبارستیزی و ضدیت با نظام سلطه؛ در واقع گفتمان‌سازی یک اقدام نرم در بستر فرهنگی است که از طریق مراکز مطالعاتی، دانشگاهی و اندیشکده‌ای تولید و در میان جامعه نخبگی هدف، توزیع و منتشر می‌شود.

۱. جهت کسب اطلاعات بیشتر ر. ک «مأموریت نیروی قدس به‌روایت فرمانده کل قوا».

<https://www.mashreghnews.ir/news/78963/>.

2. Movement road map

۳. اگرچه می‌توان در چهارچوب تعامل با مرتبطان و هواداران انقلاب اسلامی، گام‌های شش‌گانه مذکور را به سه مرحله کاشت یا ارتباط‌گیری (گفتمان‌سازی و شبکه‌سازی)، داشت یا فعال‌سازی (جریان‌سازی و جنبش‌سازی)، و برداشت یا بهره‌برداری (نظام‌سازی و تمدن‌سازی) نیز تلخیص نمود.



به‌عنوان یکی از حوزه‌ها و زمینه‌های گفتمان‌سازی در میان مسلمانان اروپا، می‌توان به گفتمان‌سازی و نظریه‌پردازی گفتمان «یورواسلام»^۱ در مقابل «یوروآتلانتیک»^۲ جهت حفظ هویت اسلامی مسلمانان اروپا اشاره نمود. همچنین در این چهارچوب مدت‌ها است سؤالی ذهن‌نگارنده را نوازش می‌کند و بلکه آزار می‌دهد که، اگر جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با چپ‌های امریکای لاتین برای توازن قدرت/تهدید بین ایران و امریکا در حیاط‌خلوت امریکا وارد یک گفتمان و بلکه یک ائتلاف ضدامریکایی و ضدنظام سلطه در منطقه بشود، چرا در منطقه بالکان (غربی) برای ایجاد توازن قدرت بین ایران و غرب وارد نه یک ائتلاف که لاقبل یک گفتمان ضدامریکایی و ضدنا‌تویی با صرب‌های منطقه نشویم، که از قضا روس‌ها نیز شدیداً از این موضوع استقبال می‌کنند. این ایده عملیاتی درست منطبق بر دکترین «تعامل‌گرایی ضدنظام سلطه» مورد تأکید و تأیید امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) است.

- شبکه‌سازی

با عنایت به آیه شریفه «صبروا و صابروا و رابطوا»^۳ شبکه‌سازی یعنی سازمان‌دهی و بسیج نیروها و امکانات و ابزار مناسب و متناسب با مأموریت، برای رسیدن به اهداف از پیش تعیین‌شده در کشور هدف؛ به‌طوری که مجریان دیپلماسی فعالیت‌های خود را در این قالب سامان‌دهی و سازمان‌دهی نمایند. به‌عبارت دیگر اهداف شبکه‌سازی از طریق مجموعه نهادهای متعدد بومی و غیربومی به‌صورت غیرمستقیم شکل می‌گیرد. منطق شبکه‌سازی، تشکیل هسته (کوچک) دانا و شبکه (گسترده) توانا است.

در این راه طبعاً به‌دلیل محدودیت‌های زمانی و محیطی نمی‌توان مستقیم با تمام جامعه ارتباط برقرار نمود تا شبکه‌سازی موردنظر شکل بگیرد؛ بلکه می‌باید نخبگان برجسته‌ای که توان سازمان‌دهی و بسیج نیروها و در یک کلام شبکه‌سازی اجتماعی را دارند، شناسایی و در جهت تشکیل شبکه‌های اجتماعی و کار نهضتی ترغیب نمود. لذا کار نهضتی کاری کیفی و عمقی است و نه کمی و سطحی. نمونه موفق این موضوع فردی مثل سید حسن نصرالله است که با یک ایمان قوی و چهره کارزماتیک از توان فوق‌العاده‌ای برای شبکه‌سازی بومی بهره‌مند است.

لذا در استراتژی نهضتی چنین نیست که بتوان نفره‌نفر را جذب، هدایت و راهبری

1. Euro - Islam
2. Euro - Atlantic

۳. آیه ۲۰۰ سوره آل عمران: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ». ای اهل ایمان در کار دین صبور باشید و یکدیگر را به صبر و مقاومت سفارش کنید و مهیا و مراقب کار دشمن بوده و خداترس باشد که پیروز و رستگار گردید.



نمود، بلکه باید افراد شاخص و تأثیرگذار را جذب نموده و آنها خودشان به صورت بومی تیم، گروه و جبهه تشکیل بدهند. چنین افرادی به تعبیر قرآن کریم، ابراهیم‌وار خود به‌تنهایی یک امت هستند: «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا» (نحل: ۱۲۰). بی‌گمان ابراهیم امتی بود فروتن برای خدا و حق‌گرا، و از مشرکان نبود. شاید شاه بیت معروف شاعر حماسه‌سرای پارسی‌گوی (فردوسی) در اینجا موضوعیت داشته باشد: سیاهی لشکر نیاید به کار/یکی مرد جنگی به از صد هزار.

- جریان‌سازی

امروزه جریان‌سازی در بستر رسانه شکل می‌گیرد و با وجود فضای مجازی و شبکه‌های متعدد و متنوع اجتماعی، کار جریان‌سازی، هم در بعد ایجابی و هم در بعد سلبی، سرعت و عمق بیش‌تری پیدا نموده است. جریان‌سازی را می‌توان به دو بخش جریان‌سازی فکری و سیاسی تقسیم نمود. جریان‌سازی فکری معطوف به حوزه‌ی نخبگی و اجتماعی (تقویت نفوذ) و مقدم بر جریان‌سازی سیاسی معطوف به احزاب و جریان‌های سیاسی (کسب قدرت) است. در این بخش به‌خصوص با ابزار رسانه باید بتوان در مسائل مهم مربوط به سیاست داخلی و خارجی کشور هدف و به‌ویژه تحولات بین‌المللی مرتبط با انقلاب اسلامی، افکار عمومی را به حرکت واداشت.

به هر حال امروزه رسانه‌های اجتماعی از تنوع قابل‌توجهی برخوردار هستند. اصلی‌ترین ویژگی این رسانه‌ها را می‌توان تکثیر مفاهیم و انتقال ادبیاتی دانست که زمینه‌ی تهییج گروه‌های اجتماعی را فراهم می‌سازد (Gates, 2009: 25).

- جنبش‌سازی

جنبش‌های اجتماعی عاملی مهم در دگرگونی جوامع و بروز بحران‌ها هستند و خود موضوع نظریه‌پردازی در سطح وسیعی قرار گرفته‌اند؛ در زمینه‌ی روش‌شناسی شناخت جنبش‌ها، بعضی‌ها بر تحلیل جنبش در بستر تاریخی آن تأکید می‌کنند و برخی نیز در تحلیل جنبش علائم، رفتار و شیوه‌های بروز و ظهور آن را مورد مذاقه قرار می‌دهند^۱ و عده‌ای هم معتقدند باید ماهیت جنبش‌ها را بر اساس مبانی ایدئولوژیک آنها موردشناسایی قرار داد. گرایش‌های مختلفی در روش شناخت جنبش‌ها وجود دارد. چون این جنبش‌ها با همدیگر به ذهنیت مشترک نرسیده‌اند، همیشه تفسیرهای مختلفی از رشد و نمو آنها

۱. در این خصوص می‌توان به شعارهای اصلی جهان عرب در جریان بیداری اسلامی یا به تعبیر رسانه‌های عرب‌زبان «الربیع العربی» (بهار عربی) در تونس، مصر، لیبی، بحرین، یمن و اخیراً در الجزایر و سودان اشاره نمود که یک فرایندی را از اصلاح تا اسقاط نظام و بناء النظام طی می‌کند؛ الشعب یرید اصلاح النظام؛ الشعب یرید حقوق الانسان؛ الشعب یرید اسقاط الرئیس؛ الشعب یرید اسقاط النظام (الطائفی)؛ الشعب یرید بناء النظام.

وجود دارد. جنبش‌های اجتماعی را می‌توان بر اساس محوریت افکار و ایدئولوژی‌ها، مکانیسم تأثیرگذاری، تعداد اعضا، تکیه‌گاه طبقاتی و دوره‌های تاریخی طبقه‌بندی نمود. اگرچه جنبش‌های اجتماعی از لحاظ ساخت، اهداف، کنشگران و مکانیسم عمل جمعی متفاوت از سازمان‌های نهادی و بوروکراتیک هستند، اما در فرازوفروود مبارزاتی و تاریخ، جنبش‌های اجتماعی می‌توانند تبدیل به حزب سیاسی و در نهایت دولت شوند (قادری کنگاوری، ۱۳۹۵: فصل اول).

مدیر عالی نهضتی برای آنکه بتواند جنبشی را که تولید کرده فعال نگه دارد، نیازمند آن است که از عوامل زمینه‌ای اجتماعی و نارضایتی عمومی و جریان نخبگی و کارگزاری نهایت استفاده را ببرد؛ تا بتواند جنبش را تا رسیدن به قدرت و ایجاد دولت کمک کند. بر همین اساس در حوزه مسائل اجتماعی، ظهور و بروز هر جنبش اجتماعی نیازمند شرایط و زمینه‌های مناسب شکل‌گیری در آن محیط اجتماعی است. یعنی تا زمانی که شرایط و زمینه‌های مساعد شکل‌گیری جنبش در بستر اجتماعی یک جامعه به وجود نیاید، هر چند که عوامل مختلف تأثیرگذار دیگر هم وجود داشته باشند، پدیده تکوین نیافته و به ظهور عینی خود نیز نخواهد رسید. در همین رابطه است که در حوزه ظهور و بروز جنبش‌های اجتماعی با یک مجموعه شرایط و زمینه‌های سیاسی و اجتماعی (ساختاری) برای شکل‌گیری پدیده روبه‌رو هستیم که در کنار سایر عوامل دیگر، نقش مهمی در تکوین و شکل‌گیری و همچنین فرایند امنیتی‌شدن جنبش‌های سیاسی و اجتماعی در جامعه دارند. این شرایط ساختاری، زمینه مساعد را برای اثرگذاری عوامل کارگزاری یا ارادی تأثیرگذار بر ظهور جنبش‌های اجتماعی فراهم می‌کنند (کریم‌زاده، ۱۳۹۴).

بنابراین برای حرکت‌دادن نیروهای سیاسی اجتماعی برآمده از شکاف‌های اجتماعی به سمت جنبش‌های اجتماعی وجود یکسری شرایط عمومی ضروری است. مهم‌ترین راهبردی که باید توسط نخبگان و جریان‌های مخالف در این کشورها نسبت به شکاف‌های مختلف سیاسی و اجتماعی پیگیری شود و رسانه‌های جمعی نیز باید پیام‌ها، خبرها و تحلیل‌های خود را به این سمت جهت‌دهی نمایند، به این صورت است که می‌باید با شناسایی دقیق شکاف‌های سیاسی و اجتماعی موجود در این جوامع و نیروهای سیاسی و اجتماعی برآمده از آنها، سیاست تجمیع و متراکم کردن و در نهایت تعمیق آنها را پیگیری نمایند. بایستی با آگاهی‌بخشی به نیروهای اجتماعی که حول این شکاف‌ها به وجود آمده‌اند، این موضوع را دنبال کنند که دستگاه هیأت حاکمه، عامل اصلی مشکلات موجود است تا از این طریق هم به نارضایتی‌های عمومی دامن زده شود، و هم با شعارهای کلی، عام و مردمی زمینه وحدت و هماهنگی میان جریان‌ها و گروه‌های مختلف اجتماعی را

فراهم نمایند. بایستی تمام سعی و تلاش جریان‌های مخالف اعم از رهبران سیاسی، رسانه‌ها و... این باشد که ضمن افزایش مطالبات عمومی از نظام، مردم و مخالفان را به این فهم برسانند که دولت و نظام حاکم نسبت به خواسته‌های آنها بی‌اعتنا است و اهمیتی به مطالبات و خواسته‌های آنها نمی‌دهد تا از این طریق به نارضایتی عمومی از نظام حاکم دامن زده شود.

نکته مهم و اساسی در فرایند جنبش‌سازی اجتماعی این است که چگونه می‌شود با استفاده از قشریندی‌ها و شکاف‌های اجتماعی موجود دست به جنبش‌سازی زد. همیشه از دل قشریندی‌ها و شکاف‌های اجتماعی موافق یا مخالف نظام حاکم، نیروهای سیاسی و اجتماعی شکل گرفته که درصدد پاسخ به نیازها و مطالبات سیاسی و اجتماعی برآمده از شکاف‌ها و گسل‌های موجود در جامعه هستند. بسته به برخوردی که نظام سیاسی با حامیان و حاملان این شکاف‌ها دارد، می‌تواند سرنوشت متفاوتی را در پی داشته باشد؛ اما عموماً برای اینکه یک قشریندی خاص اجتماعی یا یک شکاف مهم سیاسی، فرهنگی یا اقتصادی اجتماعی به یک جنبش اجتماعی تبدیل شود، نیاز به شرایطی دارد که باید در محیط اجتماعی کنش جمعی وجود داشته باشد، تا کنشی صورت بگیرد (کریم‌زاده، ۱۳۹۴).

– نظام‌سازی

نظام‌سازی یک مسئله حاکمیتی جهت تثبیت نظام سیاسی است. نظام‌سازی در هر جنبشی از اهمیت بسیارزیدی برخوردار است. به عبارت دیگر در بلندمدت، شکل‌نگرفتن فرایند نظام‌سازی بعد از بروز انقلاب، ظرفیت‌های به وجود آمده حاصل از آن خیزش و جنبش را هدر خواهد داد. نظام‌سازی ممکن است امری درونی باشد و گروه‌ها در جریان انقلاب با توجه به مؤلفه‌های آن جنبش به نظام‌سازی دست بزنند. شرایطی که در ایران بعد از انقلاب اسلامی رخ داد، نمونه بارز تبدیل یک جنبش به نظام سیاسی بود.

به این ترتیب نظام‌سازی شاید مهم‌ترین مرحله نقشه راه نهضتی باشد؛ چراکه محصول گفتمان‌سازی، شبکه‌سازی، جریان‌سازی و جنبش‌سازی در حوزه ساخت قدرت و سیاست است. نظام‌سازی با تعیین شکل و نوع حکومت، ساختارهای ملی و حاکمیتی و تدوین قانون اساسی به‌مثابه میثاق ملی معنا می‌یابد. امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) نیز بارها به ضرورت مدیریت و حفاظت از نظام سیاسی در جهت حرکت به سوی یک نظام‌سازی در کشورهای انقلابی تأکید دارند و معتقدند در کشورهایی که تحولی ایجاد شده اگر به همان سیاق قبلی حرکت کنند، جنبش اسلامی از مسیر خود خارج شده و افراد انقلابی نیز تغییر خواهند کرد:



«یکی دیگر از هدف‌ها، نظام‌سازی است. اگر در این کشورهایی که انقلاب کردند، نظام‌سازی نشود، آنها را خطر تهدید می‌کند. در همین کشورهای شمال آفریقا ما یک تجربه‌ای مربوط به شصت/هفتاد سال پیش در اواسط قرن بیستم داریم. در همین تونس انقلاب شد، نهضت شد، کسانی آمدند سر کار؛ در همین مصر انقلاب شد، کودتا شد، نهضت شد، کسانی آمدند سر کار - در جاهای دیگر هم همین طور - اما نتوانستند نظام‌سازی کنند؛ نظام‌سازی که نکردند، این موجب شد که نه فقط آن انقلاب‌ها از بین رفت، بلکه حتی آن کسانی که به نام آن انقلاب‌ها سر کار آمده بودند، خودشان از این‌رو به آن‌رو شدند، صد و هشتاد درجه جایشان را عوض کردند؛ خودشان هم خراب شدند... خود آن انقلاب‌ها هم عوض شدند؛ هم‌فکر نداشتند، هم نتوانستند نظام‌سازی کنند. باید در این کشورهایی که انقلاب کردند، نظام‌سازی شود؛ باید یک قاعده مستحکمی به وجود بیاید. این هم یکی از مسائل مهم است» (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=>). (21741)

واضح است که رهبری یکی از مفاهیم اساسی نظام سیاسی در اداره جامعه است، با ضعف و خلأ رهبری تبدیل نهضت‌ها و انقلاب‌ها به نظام سیاسی قوی دشوار است. با وجود رهبری منسجم برای هدایت جنبش‌ها، تأسیس دولت و نظام‌سازی مطلوب بعد از انقلاب دور از دسترس نیست. اما در صورت فقدان یا ضعف رهبری و همچنین در صورتی که آرمان‌های انقلاب به‌گونه‌ای متنوع باشد که امکان انسجام آنان کاهش یابد، نظام‌سازی آینده با معضلات اساسی مواجه می‌شود. در حقیقت رهبری، مهم‌ترین رکن یک جنبش و انقلاب است که در صورت مشکلات و ضعف، وقوع انقلاب و نظام‌سازی آینده را با دشواری‌هایی مواجه خواهد کرد. در صورتی که سه عامل نارضایتی، ایدئولوژی جایگزین و روحیه انقلابی در میان مردم پدیدار گردد، اما فاقد نهادهای بسیج‌گری که بتوانند مردم را در راستای اهداف انقلابی بسیج کنند، باشد، انقلاب با موفقیت روبه‌رو نخواهد شد (کوهن، ۱۳۸۶: ۲۳۷).

لازم به ذکر است که در هر نظام‌سازی، باید شاخص‌های مختلفی را در نظر گرفت که یکی از آنها ظرفیت‌های رهبران سیاسی در یک جنبش و دیگری میزان تشکل‌یافتگی مردم است. رهبران سیاسی و گروه‌نخبگان در جامعه می‌توانند روند نظام‌سازی را تسریع کرده و با ابزارهای مناسب، یکپارچگی و انسجام اجتماعی را تقویت کنند. اگر یک جنبش با هدف کنارگذاشتن حکومت وقت تکوین پیدا کرد، ولی درون این جنبش به‌دلیل نبودن رهبری واحد، اختلاف‌هایی به وجود آید، این مسئله می‌تواند نظام‌سازی را با آسیب جدی مواجه کند. همچنین باید سوابق تاریخی جمعیتی را هم بررسی کرد. بلوغ سیاسی و اجتماعی



جمعیت و ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی بسیار مهم است. قابلیت جمعیت جوان در هر جنبش نیز از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

بنابراین یکی از مهم‌ترین کارکردهای رهبری انقلاب، استقرار نظام سیاسی جدید است. هر قدر آرمان انقلابی اصیل‌تر و رهبری دارای وحدت بیش‌تر باشد، بنیادگذاری سامان سیاسی نوین نیز سریع‌تر صورت خواهد گرفت. در واقع، الگوی رهبری در انقلاب اسلامی علاوه بر تفاوت‌های مختلف در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و بسترسازی‌های انقلابی، در انقلاب اسلامی رهبری دارای پشتوانه اجتماعی و مردمی قوی بود. لذا مشخص می‌شود که همه نهضت‌ها و انقلاب‌ها در دنیا دارای رهبرانی خاص و با اشکال مختلف بوده‌اند؛ مسئله رهبری در تأسیس، تثبیت و تداوم نظام سیاسی در انقلاب هر کشوری نقش مهمی در سرنگونی رژیم پیشین و تأسیس و استقرار نظام سیاسی جدید دارد. همچنین لازم است در فرایند نظام‌سازی مردم و رهبران جنبش در کنار یکدیگر باشند. در انقلاب اسلامی مردم و رهبران انقلاب در کنار یکدیگر حرکت می‌کردند (قاسمی، ۱۳۹۸).

– تمدن‌سازی

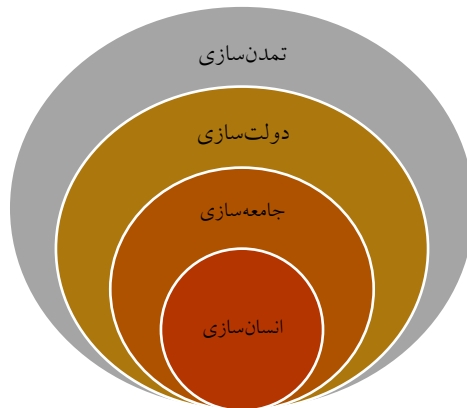
تمدن‌سازی آخرین مرحله یک حرکت نهضتی با اهداف و آرمان‌های جهانی و بشری است. در صورتی که زیرساخت‌های لازم در هر دو بُعد ابزاری – سخت‌افزاری (علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ) و به‌ویژه نرم‌افزاری – سبک زندگی (مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله خط، زبان و کسب‌وکار، رفتار ما در محل کار، دانشگاه، مدرسه، فعالیت سیاسی، ورزش، رسانه‌ای که در اختیار ما است، با پدر و مادر، با همسر، با فرزند، با رئیس، با مرئوس، با پلیس و با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، با دشمن و با بیگانه) مناسب و متناسب با فطرت انسانی را بنا نهاده باشد، مورد اقبال و استقبال سایر ملل قرار می‌گیرد و از این طریق می‌تواند تمدن نوینی را بر پایه آزادی و عدالت و استقلال و امنیت برپا نهد. این مهم البته، مهم‌ترین مأموریت نهضتی در عرصه بین‌الملل است که بار اصلی آن بر دوش نسل جدید و جوان تربیت‌یافته با ارزش‌های الهی و انسانی و به‌ویژه نخبگان فکری و دانشگاهی است.

البته این مسئله تفاوت اساسی دارد با آنچه قدرت‌ها درباره بشریت فکر و عمل می‌کنند؛ این به‌معنای تصرف سرزمین‌ها نیست؛ این به‌معنای تجاوز به حقوق ملت‌ها نیست؛ این به‌معنای تحمیل اخلاق و فرهنگ خود بر دیگر ملت‌ها نیست؛ این به‌معنای عرضه کردن هدیه الهی به ملت‌ها است، تا ملت‌ها با اختیار، انتخاب و با تشخیص خود راه درست را انتخاب کنند. راهی که امروز قدرت‌های جهان ملت‌ها را به آن راه کشانده‌اند، راه غلط و راه



گمراهی است. این وظیفه امروز ما است» (<http://farsi.knamenei.ir/newspart-index?tid>) (=2634).

آنچه مسلم است تمدن‌سازی و عینیت‌بخشیدن به ارزش‌های بلند و والای انسانی چون آزادی و عدالت است و تمدنی را به جهانیان عرضه می‌دارد که تجسم خیرخواهی و سعادت برای تمامی انسان‌ها فارغ از هر رنگ و نژاد و مذهبی است. البته این مهم بر اساس شاخص‌ها و الزامات زیست‌بوم هر منطقه معنا و هویت پیدا می‌کند که مبنای عقلانیت راهبردی رهبران انقلابی با پشتوانه فکری و عقیدتی اصحاب خرد و اندیشه خواهد بود. فراموش نشود که انسان‌سازی مقدم بر جامعه‌سازی است و جامعه‌سازی نیز مقدم بر دولت‌سازی است؛ و این سه پایه اساسی، بدون وجود دو عنصر کلیدی دیگر یعنی «رفاه ملی» و «عدالت اجتماعی» هیچ تمدن نوینی مگر بر اساس توهم و خیال باطل شکل نخواهد گرفت.



شکل ۲. مراحل چهارگانه تمدن‌سازی

مسائل پیش روی دیپلماسی نهضتی

مقاومت و دیپلماسی نهضتی در سایه عقلانیت انقلابی^۱ و بر پایه «آرمان‌گرایی واقع‌بینانه»^۲ شکل می‌گیرد. یعنی افق نگاه به سمت وسوی نوک قله است اما به موانع و مشکلات پیش رو هم توجه دارد. در ذیل، برخی از مهم‌ترین مسائل و چالش‌های مرتبط با حوزه مقاومت و دیپلماسی نهضتی را در عرصه سیاست خارجی مورد بررسی قرار می‌دهیم؛

1. Revolutionary Rationality
2. Realistic idealism

یکی از مسائل مهم قرآنی در سیاست خارجی، اصل «مداهنه» است که در آیه ۹ سوره قلم می‌فرماید: «وَدَّوْا لَوْ تُوْذَنُ فَيَذْهَبُونَ»؛ کافران بسیار مایل هستند که تو با آنها مداهنه و سازش کنی (با سست شدن و شل گرفتن متعرض بت‌هاشان نشوی) تا آنها هم (به نفاق) با تو مداهنه کنند. در اینجا قرآن به پیامبر(ص) می‌گوید: شل نگیری!! دشمنان دوست دارند سست شوی ولی تو محکم باش. لذا مداهنه را که در قرآن امری مذموم شمرده شده است، می‌توان به تعبیر عامیانه «ماست‌مالیزاسیون» نیز تعبیر نمود. در واقع مداهنه آن روی سکه «دیانت سیاسی» (بخوانید سازش) است.

شایان ذکر است که کلمه‌ل (یُدْهِنُونَ) از مصدر (ادْهَان) است که مصدر باب افعال از ماده (دُهْن) است و دُهْن به معنای روغن، و ادهان و مداهنه به معنای روغن مالی و به اصطلاح فارسی (ماست‌مالی) است که کنایه از نرمی و روی خوش نشان دادن است. معنای آیه این است که این تکذیب‌گران، دوست می‌دارند تو با نزدیک شدن به دین آنان، روی خوش به ایشان نشان دهی؛ ایشان هم با نزدیک شدن به دین تو، روی خوش به تو نشان دهند؛ و خلاصه اینکه دوست دارند کمی تو از دینت مایه بگذاری، کمی هم آنان از دین خودشان مایه بگذارند و هر یک درباره دین دیگری مسامحه روا بدارید؛ همچنان که نقل شده است که: کفار به رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پیشنهاد کرده بودند تا به خدایانشان تعرض نکنند و ایشان هم متقابلاً متعرض پروردگار او نشوند (طباطبائی، ج ۱۹: ۶۲۰).

بنابراین، مداهنه به معنای دست برداشتن از اصول و مبانی و ارزش‌ها و آرمان‌های الهی است تا مخالفان را خوش آید، که این کار از نظر قرآن کریم، کاری ناپسند است (اسلامی، ۱۳۸۱). لذا «مداهنه» با منطبق قرآن مهم‌ترین چالش دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران در عرصه سیاست خارجی و بین‌المللی است.

- دیپلماسی نهضتی و مسئله انفعال دیپلماتیک

در ادبیات علوم سیاسی و مطالعات راهبردی به قدرت مشروع، «اقتدار» گفته می‌شود. هیچ نظام سیاسی نمی‌تواند نسبت به کسر یا شکست اقتدار بی تفاوت باشد؛ از این رو اقتدار، عمود خیمه یک نظام سیاسی است که مشروعیت سیاسی و کارآمدی اقتصادی را در خدمت بقای نظام و عمق بخشی خارجی قرار می‌دهد. کما اینکه در عرصه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل نیز خلأ «دیپلماسی اقتدار» یا دیپلماسی انقلابی در برابر دیپلماسی انفعالی - التماسی، جهت حفظ و تقویت مسئله مقاومت کاملاً محسوس و مشهود است. این نکته‌ای است که امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در بیانیه گام دوم انقلاب که بیانگر روحیه و



رویکرد انقلابی‌گری در سال‌ها و دهه‌های پیش رو است، ضمن بیان تعبیر استقلال و آزادی کنونی ایران اسلامی به دستاورد و بلکه خون‌آوردِ صدها هزار انسان والا و شجاع و فداکار، خطر «زانوزدن در برابر دشمن و بوسه‌زدن بر پنجهٔ گرگ» را گوشزد فرمودند (http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673).

امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) جهت‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و معیار دیپلماسی موفق و شاخص دیپلماسی کشور را «مقابله با رفتار نظام سلطه و خروج از قاعدهٔ سلطه‌گر - سلطه‌پذیر» بیان می‌نمایند: (http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=28183).

- ما رفتار نظام سلطه را به‌هیچ‌وجه قبول نمی‌کنیم، البته داعیهٔ سلطه‌گری نداریم اما در هیچ موضوعی، زیر بار سلطه نمی‌رویم و شاخص دیپلماسی خود را مقابله با رفتار جهانی نظام سلطه و خروج از قاعدهٔ «سلطه‌گر - سلطه‌پذیر» می‌دانیم (۱۳۸۶/۰۵/۳۰).

- اساس کار در وزارت امور خارجه، پیشبرد سیاست ضدنظام سلطه و تأثیرگذاری بر روابط بین‌المللی با استفاده از دیپلماسی قوی است^۱ (۱۳۸۸/۱۲/۰۹).

بنابراین یکی از الزام‌های کارگزاری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران وجود دیپلمات‌های انقلابی جهت پیشبرد آرمان‌ها و اهداف والای انقلاب اسلامی در عرصهٔ بین‌المللی است. در غیر این صورت دستگاه دیپلماسی غیرانقلابی هرگز نخواهد توانست توان اجرایی دیپلماتیک خود را معطوف به پشتیبانی و حمایت از مقاومت در مذاکرات و تعاملات دو یا چندجانبه و حضور در مجامع منطقه‌ای و بین‌المللی نماید. در نظام اسلامی، دیپلمات غیرانقلابی مثل کمان بدون تیر یا سلاح پر از فشنگ‌های مشقی است که هنری جز قُمپز در کردن ندارد. به‌عبارت دیگر، دستگاه دیپلماسی غیرانقلابی، عملاً سیاست خارجی در مایه دشتی است که آدمی را به‌سرودن مرثیه‌ای در سوگ مقاومت وا می‌دارد.

نسبت مقاومت و دستگاه دیپلماسی به‌تعبیر منطقیان، نوعی رابطهٔ «تساوی» است و این مهم زمانی صورت واقعی به خود خواهد گرفت که مقاومت هم در ساختار وزارت خارجه^۲ و هم در عمق وجود دیپلمات‌ها نهادینه و درونی^۳ شده باشد؛ در غیر این صورت نسبت این‌دو چیزی جز «تباین» نخواهد بود!! شاید یکی از دلایلی که حضور پرافتخار منطقه‌ای نیروهای مقاومت، آن‌گونه که باید و شاید «کما یبغی»، خیلی نتوانسته است مبدل به دستاوردهای سیاسی و اقتصادی راهبردی گردد، به‌دلیل عدم‌هم‌سویی

۱. جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص تعارض‌های نظام سلطه در روابط بین‌الملل در چهارچوب گفت‌وگوهای امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ر.ک: (عباسی، ۱۳۹۷).

2. organized resistance
3. socialized resistance

دیپلماسی رسمی با دیپلماسی نهضتی (باور قلبی و ایمانی به مقاومت) و متناسب با ظرفیت‌های نهضتی نیروهای انقلابی بوده است. دیپلماسی و قدرت میدانی باید در کنار همدیگر قرار بگیرند.

امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در دیدار فرماندهان و جمعی از کارکنان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران مورخ ۱۹ بهمن ماه ۱۳۹۱ فرمودند: «من دیپلمات نیستم، انقلابی‌ام» (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21996>). این بیان می‌تواند ناظر بر وجه انقلابی‌گری دیپلمات‌ها نیز باشد. انتظاری که در بیانات معظم له از دیپلمات‌های دستگاه دیپلماسی کشور مستتر است. در واقع «دیپلمات انقلابی» و «دیپلماسی اقتدار» دو روی یک سکه هستند.

امروزه ما در دستگاه دیپلماسی سخت نیازمند خودباوری و نوعی غرب‌زدگی‌زدایی دیپلماتیک^۱ هستیم. به‌عنوان مثال: می‌توان چنین ادعا نمود که اگر غرب منطقه ما را نسبت به موقعیت جغرافیایی خود، خاور نزدیک،^۲ خاور میانه،^۳ و خاور دور^۴ می‌نامد و می‌گوید، ما چرا جغرافیای عقرب نشان اروپا را غرب نزدیک^۵ (منطقه بالکان، اوکراین، لهستان، مجارستان و...) و غرب میانه^۶ (آلمان، اتریش، ایتالیا، دانمارک و...) و غرب دور^۷ (فرانسه، اسپانیا، پرتغال، انگلیس و آمریکا) ندانیم و ننامیم!! کما اینکه می‌توان و باید وزارت امور خارجه را به «وزارت مقاومت خارجی، عمق‌بخشی و امور نهضت‌ها» در تراز انقلاب اسلامی تبدیل نمود.

با این وجود، بدون دیپلماسی انقلابی، «سندروم چوب و پیاز» در سازه و پیکره دستگاه دیپلماسی اجتناب‌ناپذیر است. سندرومی که کشور را به سمت هم‌زمان خوردن چوب «تحریم» و پیاز «مذاکره» سوق می‌دهد. در دیپلماسی انقلابی، کوچک‌ترین تمایل و اشتیاقی نسبت به دُول ظالم و زورگو، سرنوشتی جز خفت و خواری نخواهد داشت.^۸ شرط

1. Diplomatic de-westernoxication
2. near east
3. middle east
4. far east
5. near west
6. middle west
7. far west

۸. آیه ۱۱۳ سوره مبارکه هود: «وَلَا تَرْكُونُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَيَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ (۱۱۳)». ترجمه: «و به کسانی که ستم کرده‌اند متمایل مشوید که آتش [دوزخ] به شما می‌رسد و در برابر خدا برای شما دوستانی نخواهد بود و سرانجام یاری نخواهید شد».

لازم به توضیح است که (رکون) یعنی میل کردن به سوی چیزی و آرامش دادن خاطر به وسیله آن. آیه شریفه مؤمنان را از رکون به سوی ستمکاران منع می‌کند، و رکون به سوی آنان یک نوع اعتمادی است که ناشی از میل و رغبت نسبت به آنان



لازم و کافی دیپلماسی انقلابی، کاربست عدالت و پرهیز از هرگونه افراط و تفریط در مناسبات و مذاکرات بین‌المللی است و به تعبیر مولانا جلال‌الدین بلخی: مؤمن آن باشد که اندر جزر و مد/کافر از ایمان او حسرت خورد.

– دیپلماسی نهضتی و مسئلهٔ نرمالیزاسیون بین‌المللی

نرمالیزاسیون یا جامعه‌پذیری بین‌المللی^۱ یعنی تن‌دادن به نرم‌ها و هنجارهای بین‌المللی یا حرکت در چهارچوب نظم سیاسی بین‌الملل که از لوازم آن پذیرش نظام سلطه، شناسایی رژیم غاصب و جنایت‌کار صهیونیستی و در یک کلام کنار گذاشتن مقاومت است. این مسئله در قالب عضو عادی و نرمال جامعهٔ بین‌الملل از زبان دشمن در خصوص نظام جمهوری اسلامی ایران بارها شنیده شده است. طبعاً آن روی سکهٔ جامعه‌پذیری بین‌المللی، نرمالیزاسیون و انقلاب‌زدایی از صورت و سیرت نظام جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. به تعبیر امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) تغییر رفتار، همان تغییر نظام است: «هدف بلندمدت [دشمن] هم، اصل نظام اسلامی است. یک روزی صریحاً می‌گفتند که نظام اسلامی باید از بین برود؛ بعد دیدند این حرف، حرفی است که به‌ضرشان تمام می‌شود و اولاً نمی‌توانند و در آن می‌مانند و آبرویشان پیش طرف‌دارانشان، دولت‌های وابسته و مزدورشان در دنیا می‌رود؛ [لذا] آمدند این را تعدیل کردند و گفتند: تغییر رفتار جمهوری اسلامی. بنده همان‌وقت به مسئولین عزیز کشور گفتم: آقایان! توجه داشته باشید که تغییر رفتار، با تغییر نظام هیچ فرقی ندارد. معنای تغییر رفتار این نیست که اگر صبح ساعت هفت می‌آمدیم، حالا هفت و نیم یا شش و نیم بیاییم. تغییر رفتار یعنی اینکه راه اسلام را می‌رفتیم، راه انقلاب را می‌رفتیم، خط امام را می‌رفتیم، حالا زاویه بگیریم؛ اول ۲۰ درجه، بعد ۴۵ درجه، بعد ۹۰ درجه، بعد ۱۸۰ درجه در طرف مقابل حرکت بکنیم؛ تغییر رفتار یعنی این؛ یعنی همان از بین بردن نظام اسلامی؛ این هدف بلندمدت آنها است. بنابراین، هدف دشمن اینها است. دشمن، دشمن است؛ از هر چه که بتواند اعمال دشمنی بکند، استفاده خواهد کرد»^۲.

– دیپلماسی نهضتی و مسئلهٔ روابط دیپلماتیک با نظام سلطه

مبارزه با نظام سلطه و استکبار جهانی لزوماً و ضرورتاً به معنای قطع روابط سیاسی،

باشد. لذا آیهٔ شریفه از هم‌نشینی با ستمکاران نهی می‌نماید، چون مصاحبت با آنها باعث رضایت به اعمال ایشان و تشبه به آنان و اطاعت از راه‌وروش آنها می‌گردد.

1. Normalization/ International Socialization

۲. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (علیه‌السلام) ۲۰/۰۲/۱۳۹۶. ر. ک: <http://farsi.khamenei.ir/memory-content?id=38937>

اقتصادی و فرهنگی با نظام سلطه یعنی کشورهای سلطه‌گر و وابسته نیست، بلکه می‌توان و باید با حفظ مناسبات و شئون دیپلماتیک و روابط مؤثر و سازنده اقتصادی و فرهنگی با همه دولت‌ها و ملت‌ها (البته به استثنای امریکای یاغی و رژیم غاصب صهیونیستی)، نه تنها از همکاری و هم‌دستی در ایجاد ظلم پرهیز نمود، بلکه نسبت به ظلم ظالمان علیه مستضعفان جهان نیز از طرفی روشنگری و افشاگری نمود و از طرف دیگر از مظلومان مساعدت و حمایت همه‌جانبه مادی و معنوی نمود. البته که بار اصلی این مسئولیت اخلاقی و انسانی بر دوش ملت‌ها خصوصاً علما و روشن‌فکران تا دولت‌مداران و سیاسیون است. به عبارت دیگر بار سنگین مبارزه با استکبار بر دوش رهبران فکری، دینی و سیاسی جوامع خود آنها است؛ یعنی مبارزه‌ای سخت در بستری نرم. لذا تقابل با نظام سلطه با نفوذ در نظام سلطه هیچ منافاتی با هم نداشته و بلکه اثربخشی دیپلماسی نهضتی را افزایش داده و هزینه‌های احتمالی را کاهش خواهد داد. آنچه مسلم است نیروهای انقلاب ضمن حفظ رابطه، نباید به دولت‌های غربی امید داشته باشند. و این نکته‌ای است که امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت‌دولت مورخ ۷ شهریور ۱۳۹۷ فرمودند: «قطع امید کنید از اینها؛ از اروپا قطع امید بکنید ... قطع امید [بکنید]. این قطع امید به معنای قطع رابطه نیست، ...» (<http://farsi.khamenei.ir/speech-> content?id=40399).

– دیپلماسی نهضتی و مسئله تحریم‌ها

به علت اعلان رسمی سیاست درست، منطقی و قرآنی حمایت از جنبش‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش در قانون اساسی و لسان رهبران و کارگزاران نظام، این مسئله هزینه‌های سیاسی و اقتصادی اجتناب‌ناپذیری را از طرف نظام سلطه به نظام تحمیل کرده که تحریم‌های ظالمانه و ناعادلانه یک‌جانبه، ثانویه و فرامرزی امریکا در این راستا قابل تحلیل و ارزیابی است. در چنین شرایطی، اگرچه که دیپلماسی نهضتی با «موتور روشن و چراغ خاموش» حرکت می‌کند، اما واقع مطلب این است که بسیاری از مرتبطان و هواداران نظام و انقلاب به دلیل فشارهای امریکایی‌ها و غربی‌ها به‌خصوص آنهایی که در جغرافیای سیاسی غرب زندگی می‌کنند، با شروع تحریم‌ها نوع و سطح ارتباط را با نظام و انقلاب کاهش می‌دهند و دیگر حاضر نیستند کمافی‌السابق حتی به ایران سفر نمایند؛ تا مبدا زندگی طبیعی سیاسی و اقتصادی آنها در مغرب‌زمین آسیب ببیند.

لذا تحریم‌های ظالمانه و ناعادلانه نظام سلطه یکی از چالش‌های جدی دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران است. کما اینکه در صورت فقدان تبادلات مالی و بانکی سالم و شفاف، کم‌وکیف حمایت از اشخاص، جریان‌ها و شبکه‌های مقاومت را در سراسر



جهان با اخلال مواجه نموده و ممکن است در معرض اتهامات ناروایی چون پول‌شویی و تروریسم مالی قرار گیرند؛ البته که در شرایط تحریم، نمی‌توان به الزامات سیاسی و سازوکارهای حقوقی محدودکننده و دست‌وپاگیر بانکداری جهانی تن داد. به‌خصوص تا زمانی که امریکا و غرب تعریف معقول، منطقی و انسانی جمهوری اسلامی را از «تروریسم» و «مقاومت» بپذیرد.

مسئله دیگری از زمینه‌های حضور و نفوذ در هر کشوری حوزه اقتصادی است و حضور اقتصادی ایران (به‌خصوص بخش خصوصی) در جامعه هدف می‌تواند زمینه‌های نفوذ فرهنگی انقلاب اسلامی را تقویت و پشتیبانی نماید؛ چراکه حضور اقتصادی، بسترساز نفوذ فرهنگی و سیاسی است. در این خصوص دو مشکل ضعف بنیة اقتصادی کشور و مسئله تحریم‌های بین‌المللی (تحریم‌های اولیه و ثانویه امریکا) دو چالش جدی در این بخش هستند. البته که تلاش برای بی‌اثر نمودن تحریم‌ها مهم‌تر از رفع آنها است.

– دبلماسی نهضتی و مسئله هم‌سویی حداکثری

انتظار غیرواقع‌بینانه‌ای است که هواخواهان، حامیان و نیروهای بین‌المللی هم‌سوی با اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی در تمامی حوزه‌های سیاست داخلی و خارجی نیز مدافع تام‌وتمام و پشتوانه محکم نظام باشند. هرکسی در هر گوشه عالم که با یکی از آرمان‌های ایجابی و سلبی انقلاب هم‌سو و هم‌آوا باشد، یعنی عدالت‌طلب و ضدظلم و حامی مظلوم باشد، طبعاً متحد طبیعی^۱ و هم‌آرمان و هم‌سرنوشت انقلاب است. این مسئله دقیقاً در راستای «جذب حداکثری و دفع حداقلی» و در چهارچوب «دکترین تعامل‌گرایی ضدنظام سلطه» مورد تأکید و تأیید امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) قابل تبیین است. هنر نیروهای نهضتی انقلاب این است که حمایت و هم‌سویی ایشان را روزبه‌روز تقویت نموده و آنها را با ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب آشنا تر و نزدیک‌تر نمایند. اشتباه بزرگ این است که تعامل با صاحب‌نظران هم‌سو در عرصه بین‌المللی با انقلاب را به‌دلیل نقد یکی از ابعاد سیاست داخلی و خارجی نظام حذف یا محدود کنیم.

– دبلماسی نهضتی و مسئله دموکراسی

یکی از نکات مهمی که در مسئله مقاومت باید به آن توجه داشت، مردمی‌کردن و جامعه‌پذیر نمودن مقاومت^۲ در کنار مقاومت نهادینه‌شده و سازمانی^۳ است. دبلماسی نهضتی حرکتی ایقانی - اقناعی است؛ ایقان ذهن‌ها و اقناع قلب‌ها. و درست به همین خاطر

1. Natural ally
2. Socialized resistance
3. Organized resistance

است که خط قرمز دیپلماسی نهضتی مزدورپروری است. مبنای حرکت ایمان و اعتقاد است. اساساً یکی از اهداف اصلی و بنیادی دیپلماسی نهضتی، بومی‌سازی مقاومت است. طبعاً اگر گفتمان مقاومت در داخل فاقد امتداد اجتماعی، مشروعیت ملی و اقتناع افکار عمومی است، مشکل آفرین و چالش‌برانگیز خواهد شد؛ چراکه اگر اقتدار ملی را ستون فقرات امنیت ملی بدانیم و بنامیم، بی‌تردید اقتناع ملی مغز استخوان امنیت ملی است و بی‌توجهی به این مسأله پوکی استخوان را - دیر یا زود - اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. در دموکراسی - برخلاف مراسم رژه نظامی - طبل بزرگ همواره زیر پای چپ قرار نمی‌گیرد!!^۱ لذا تعلیم‌وتربیت نیروهای ایمانی و اعتقادی در مسیر خدا هدف دیپلماسی نهضتی است. مردمی‌کردن مقاومت نه تنها هزینه‌های سیاسی - اجتماعی حمایت از دولت‌های هم‌سو با مقاومت را در جامعه هدف کاهش خواهد داد، بلکه می‌تواند خنثی‌کننده توطئه‌های دشمن در بزنگاه‌های تاریخی و شرایط سخت دولت مقاومت باشد. از طرف دیگر در فرایند انتخابات دموکراتیک و چرخش نخبگان، به دلیل تربیت نسل جدیدی از رهبران مقاومت، نگرانی بابت از دست دادن دستاوردها و ظرفیت‌های مقاومت در کشور هدف به واسطه تغییر رهبران سیاسی مرتفع خواهد شد. به عبارت دیگر ما نباید فقط به تعامل و همکاری با رهبران سیاسی و حتی رهبران مذهبی محدود و انگشت‌شمار معتقد به مقاومت دل خوش باشیم و به همان بسنده کنیم، بلکه باید گفتمان مقاومت را در ذهن و قلب مردم نیز درونی و جامعه‌پذیر نمود. در این صورت با جابه‌جایی احزاب، اشخاص و دولت‌ها، جامعه هرگز به دولت ضد مقاومت و سازش‌کار در برابر استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل رأی اعتماد نخواهد داد. در اینجا مسئله شکل‌گیری جریان‌های فکری و سیاسی مقاومت و به خصوص احزاب کارکردگرای مقاومت باید همواره مورد توجه قرار گیرد.

- دیپلماسی نهضتی و مسئله حکومت‌داری

مدیریت امر نهضتی با مدیریت امر حکمرانی دو مقوله کاملاً جدا است. به این معنا که الزامها و نیازهای جنبشی بسیار متفاوت‌تر از نیازمندی‌های همان نهضت و جنبشی است که حالا به قدرت رسیده و تشکیل حکومت (دولت مقاومت) داده است و باید در چهارچوب قانون اساسی و حقوق بین‌الملل، سیاست داخلی و سیاست خارجی مملکت را مدیریت و هدایت نماید. لذا در این مرحله لازم است رویکرد دیپلماسی نهضتی نیز تغییر یافته و اقدام‌های خود را معطوف به کارآمدی و بازتولید مشروعیت دولت انقلابی جدید بنماید. در این زمینه دیپلماسی رسمی دولت باید پشتیبان و ادامه‌دهنده دیپلماسی نهضتی باشد که کارش را عملاً با تبدیل جنبش به دولت به پایان رسانده است.



1. Military parade: Big drum under left foot

بنابراین وقتی که یک جنبش، موفق به حضور در قدرت و تشکیل دولت می‌گردد، حتماً می‌بایستی با رویکرد انقلابی نسبت به تقویت همکاری‌های سیاسی و اقتصادی دوجانبه اقدام نمود؛ چراکه چنین دولتی برخلاف وضعیت جنبشی، باید پاسخ‌گوی مطالبات معیشتی و مدنی جامعه نیز باشد تا آنها نیز از رویکرد انقلابی دولت حمایت و پشتیبانی نماید. البته ام‌القرای مقاومت همواره باید به‌هوش باشد که مبدا دوست‌ایدئولوژیک امروز، دشمن ناسیونالیست فردا گردد.

جمع‌بندی

مقاومت و دیپلماسی نهضتی حرکت جوهری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در چهارچوب آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی است که به‌عنوان یک موضوع فراجزبی، فراجناحی، فرازبانی، فرانژادی، فراقومی، فرامذهبی، فراملی، فرانسلی و حتی فراتاریخی به‌دنبال ریشه‌کن‌نمودن ظلم‌وستم و گسترش عدالت جهانی است. و در این مسیر آنچه اصالت پیدا می‌کند خود «انسان» است؛ فارغ از هر دین و آیین و کیش و مسلکی. این همان منطق درست رهبران مقاومت است: «نحن هنا من أجل الانسان»^۱

اما از آنجا که جهان اسلام عمق استراتژیک جمهوری اسلامی است، توجه عمیق و جدی در توسعه برنامه‌های فرهنگی برون‌مرزی و در جهت تقویت و توسعه بیداری اسلامی، احیای تفکر اسلام ناب محمدی(ص) و حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش و ایجاد زمینه برای وحدت اسلامی - کاربست دیپلماسی وحدت علیه نظام سلطه - در تقابل با طرح‌های سلطه‌طلبانه نظام سلطه، ضرورتی راهبردی به نظر می‌رسد. در این راستا الگوی برخورد با نظام سلطه از منظر گفتمان ولایت، «الگوی تعامل‌گرایی ضدنظام سلطه» یعنی همکاری با تمامی بازیگران دولتی و غیردولتی (نهضت‌های آزادی‌بخش اسلامی و ملی) در شرق و غرب عالم علیه نظام سلطه و مهار سلطه‌گران است؛ به‌عبارت دیگر در پرتو «مقاومت راستین و هوشمندانه»، الگوی بومی مقابله با نظام سلطه «قطع امید و تداوم رابطه» در سایه مبارزه با استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل در سایه «عزت»، «حکمت» و «مصلحت» نظام جمهوری اسلامی است.

درست به همین خاطر است که دیپلماسی نهضتی هم‌زمان سه مأموریت سخت (حمایت و حضور نظامی و امنیتی از نهضت‌های آزادی‌بخش و بازیگران دولتی و غیردولتی حامی محور مقاومت)، نیمه‌سخت (حضور در کف خیابان‌ها، تظاهرات و راهپیمایی و

۱. معروف است که امام موسی صدر در لبنان گفته بود: «نحن هنا من أجل الانسان» یا «هنا اجتماعنا من أجل الانسان». یعنی ما برای خاطر «انسان بما هو انسان» اینجا هستیم.

کمپین‌های جمع‌آوری امضا (...) و نرم (مبارزه علمی و فکری - فرهنگی در ابوعاد: الف. ضد استکباری ب. ضد صهیونیستی د. ضد تکفیری د. تبیین آرمان‌ها، مواضع و سیاست‌های جمهوری اسلامی و معرفی دستاوردهای انقلاب اسلامی) را دنبال می‌کند. واضح است که مهم‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین بخش مبارزاتی، حوزه نرم یعنی مبارزه فکری در حوزه نهضتی است، که در اینجا اصحاب قلم و اصحاب نظر میدان‌داران صحنه هستند.

واضح است که به دلیل تهدیدانگاری ایران از سوی آمریکا و با منطبق نهضتی انقلاب اسلامی، برون‌سپاری امنیت تحت هیچ شرایطی قابل توجیه و دفاع نخواهد بود؛ چراکه مسئله غرب از سال‌ها و بلکه قرن‌ها پیش «ایران» بوده است نه نوع نظام سیاسی حاکم در ایران؛ کما اینکه جرج بوش رئیس‌جمهور سابق آمریکا در سخنرانی مربوط به گزارش اطلاعاتی در مورد ایران مورخ ۴ دسامبر ۲۰۰۷ در کاخ سفید صراحتاً اعلام کرد: «ایران تهدید بود، ایران تهدید هست و ایران تهدید خواهد بود»^۱.

بر این اساس معتقدم شکل‌گیری «دولت مقاومت و پیشرفت» با نگاه وسیع فرامرزی و فرمانطقه‌ای به جغرافیای مقاومت در عرصه سیاست خارجی تنها راه حرکت هم‌زمان بازدارندگی در خارج و سازندگی در داخل کشور بوده تا زمینه‌ساز نظم نوین انقلابی با رویکرد تمدنی گردد.

منابع

- امام خمینی (ره)، روح‌الاله (۱۳۷۸)، **صحیفه امام**، ج ۱۰، ۱۲، تهران: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

- امام خامنه‌ای، سید علی، بیانات. قابل بازیابی در:

<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>
<http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2634>
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21741>
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21996>
<http://farsi.khamenei.ir/memory-content?id=38937>
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=40399>
<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=28183>
<http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2634>
http://rc.majlis.ir/fa/content/iran_constitution
<https://www.mashreghnews.ir/news/78963/>

1. Iran was dangerous, Iran is dangerous, and Iran will be dangerous. For more information, see: <https://www.cbc.ca/news/world/iran-was-dangerous-iran-is-dangerous-bush-insists-1.642718>



- آلیستر، مک گراث (۱۳۸۴)، **درس‌نامه الهیات مسیحی**، ترجمه بهروز حدادی، ج ۱، قم: مرکز ادیان و مذاهب.
- افتخاری، اصغر و دیگران (۱۳۹۶)، ظرفیت‌سنجی نظریات روابط بین‌الملل در عمق‌بخشی خارجی انقلاب اسلامی (با تأکید بر نظریه سازه‌انگاری)، **فصلنامه آفاق امنیت**، سال دهم، ش ۳۶.
- اسلامی، محمد تقی (۱۳۸۱)، **تساهل و تسامح**، قم: نشر مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه.
- بهمن، شعیب، خانلو، علی کاظم (۱۳۹۴)، **دیباچه‌ای بر دیپلماسی نهضتی**، **فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام**، سال شانزدهم، ش ۳، پیاپی ۶۳.
- توماس، میشل (۱۳۸۷)، **کلام مسیحی**، ترجمه حسین توفیقی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۱)، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: نشر سمت.
- زارعی، سعدالله (۱۳۹۴)، **مبانی و دستاوردهای دیپلماسی نهضتی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۲۲ دی.
- صدقی، ابوالفضل (۱۳۹۴)، مدیریت عالی نهضتی، مبانی و مأموریت‌ها، **فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام**، سال شانزدهم، ش ۴، پیاپی ۹۴.
- صفوی، سید یحیی (۱۳۹۲)، **جزوه درسی (منتشرنشده) عمق‌بخشی**، دوره دکتری مطالعات بین‌الملل دانشگاه جامع امام حسین علیه‌السلام، تهران.
- طباطبایی، محمد حسین (بی‌تا)، **تفسیر المیزان**، جلد ۱۹، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- عبائی، محمود (۱۳۹۰)، **الهیات رهایی‌بخش**، شهریورماه. قابل بازیابی در: <http://drabae.com/?p=235>
- عباسی، مجید (۱۳۹۷)، **نظام سُلطه و تعارضات آن در روابط بین‌الملل در گفتمان مقام معظم رهبری**، **فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست**، سال هفتم، ش ۵۲.
- قادری کنگاوری، روح‌الله (۱۳۹۲)، **نظریه مقاومت در روابط بین‌الملل؛ رویکرد ایرانی - اسلامی نفی سبیل و برخورد با سُلطه**، **مجله علمی - پژوهشی سیاست دفاعی**، ش ۸۲.
- قادری کنگاوری، روح‌الله (۱۳۹۴)، **نظریه مقاومت و نظریه‌های غربی روابط بین‌الملل**، تهران: نشر مخاطب.
- قادری کنگاوری، روح‌الله (۱۳۹۵)، **جنبش ۹۹ درصدی اشغال وال استریت؛ ماهیت و پیامدها**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- قادری کنگاوری، روح‌الله (۱۳۹۸)، **مقاومت و دیپلماسی نهضتی؛ تحولات، فرصت‌ها و چالش‌ها**، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع).



- قاسمی، بهزاد (۱۳۹۸)، طراحی راهبردهای نهضتی در پرتوی گفتمان انقلاب اسلامی، تهران: مرکز باقرالعلوم (ع).

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۵)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- کریمزاده، علی (۱۳۹۴). مدیریت روندهای اجتماعی برای تبدیل آنها به جنبش‌های اجتماعی، تهران: گزارش راهبردی مؤسسه اندیشه‌سازان نور.

- کوهن، جین و دیگران (۱۳۸۶)، فهم و مطالعه جنبش‌های اجتماعی جدید، ترجمه علی حاجلی، تهران: جامعه و فرهنگ.

- میرقادر، سیدفضل‌الله، کیانی، حسین (۱۳۹۱)، بن‌مایه‌های ادبیات مقاومت در قرآن، فصلنامه ادبیات دینی، دوره ۱، ش ۱، تابستان.

- میلسن، ژان (۱۳۸۹)، دیپلماسی عمومی: از تئوری تا عمل، کتاب ژان میلسن. دیپلماسی عمومی نوین: کاربرد قدرت نرم در روابط بین‌الملل، ترجمه رضا کلهر و محسن روحانی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

- Gates M, Roberts (2009), "A Balanced Strategy: Reprogramming the Pentagon For a New Age", Foreign Affairs, Vol. 88, No. 1, Jan-Feb.

- Ghaderi Kangavari, Rouhollah."The Complex Relationship among Troika of Religion, Science and Politics: From an Islamic Perspective". Burhan Journal of Qur'anic Studies. Vol 02, No.01, 2017. Available at: www.academicpress.org

- Ghaderi Kangavari, Rouhollah."The Complex Relationship among Troika of Religion, Science and Politics: From an Islamic Perspective".in Science and Religion: Synergy not Skepticism. The Health Science Publisher, JAYPEE. 2018.

-Henry Kissinger put it best when he said that Iran has to decide whether it's "a nation or a cause. Available at: <http://foreignpolicyblogs.com/2013/05/06/a-candid-dicussion-witj-karim-sadjadpour/>

-Iran's dilemma: a country or a cause-Los Angeles Times.Available at: <https://www.latimes.com/opinion/op-ed/la-oe-0124-mcmanus-iran-symbolism-20160124-column.html>

- Rice, Condoleezza.(2012)"Syria is central to holding together the Mideast". November 23, 2012. Available at: www.washingtonpost.com

- <https://www.cbc.ca/news/world/iran-was-dangerous-iran-is-dangerous-bush-insists-1.642718>

